

پیام سندیکا

پیام سندیکا

پیام آور سندیکاهای کارگری ایران

حاصل اتحاد تاریخی کارگران سندیکایی در راستای شکل و آگاهی برای کارگران
شماره ۵۹ / سال ششم / مرداد ماه ۹۶ / نشریه سندیکای کارگری ایران





پیام سندیکا

ماهنامه خبری تحلیلی کارگری

نشریه درونی سندیکاهای کارگری

ایران کاری از کارگران سندیکایی

ایران، بر اساس منشور جهانی

سندیکاهای کارگری در راستای

تشکل و آگاهی برای کارگران، از مهر

۱۳۹۰/ چاپ تهران

(چاپی و الکترونیکی)

سندیکای کارگران فلز کارمکانیک

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی

سندیکای کارگران نقاش و تزئینات

سندیکای کارگران بنا

سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه

اتحادیه نیروی کار پروژه‌های

<http://vahedsyndica.com>

vsyndica@gmail.com

s_felezkar@yahoo.com

gmail.com@sfelezkar1961

www.sfelezkar.com

irunionmessenger@gmail.com

در این شماره می خوانید:

سر پیام ص ۱

اطلاعیه های سندیکاهای کارگری ص ۳

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور ص ۹

تسلیمت به کارگران، تبریک به سرمایه داران ص ۲۴

در آرامگاه شرافت تمام مرده ها، زنده اند! ص ۲۷

فاجعه ملی برای صنعت کشور در راه است! ص ۲۸

انگشت نگاری و کارگران ص ۳۱

حمایت از ربیعی با چه استدلالی صورت می گیرد؟! ص ۳۳

شعری از فلزیان ص ۳۵

سندیکا چیست؟ و چه می گوید؟ ص ۳۶

مرگ کسب و کار زحمتگشان شده است! ص ۳۷

دلایل پیروزی حزب کارگر در انتخابات انگلیس ص ۳۸

مصاحبه ایلنا با یک فعال صنفی کارگران فلز کار ص ۴۱

نظام سرمایه داری و لایه های آن ص ۴۳

تبریزی ها تحسین برانگیزند! ص ۴۵

اسنونی کشور تمام اینترنتی! ص ۴۷

طنزها و خاطرات کازیم عاشقی کارگر فلز کار ص ۴۹

کوچک مرد بزرگ ص ۵۱

کودنای ۲۸ مرداد و پیامدهای آن برای طبقه کارگر ص ۵۳

مهنار میرزایی کارگر معدن ص ۵۵

سرپیام

چه کسی پاسخگوست؟

به تیتیر های خبرگزاری ایلنا در روز ۲۷ تیرماه نگاه کنید:

درآمد صیادان خوزستانی به ۴۰۰ هزار تومان رسید.

مدیرعامل اتحادیه مرزنشینان بوشهر: مرزنشینان برای پرداخت بدهی به اداره دارایی، خانه‌های خود را فروختند. تعاونی‌های استان ۵ سال است که درآمدی ندارند.

قائم مقام سازمان نظام پرستاری: پرستارانی هستند که با ۵۰۰ هزار تومان درآمد، بدون بیمه سرمی‌کنند.

وقتی صحبت از ارزان سازی نیروی کار برطبق دستورات صندوق بین المللی پول می کنیم، این تنها کارگران یدی را در بر نمی گیرد بلکه بخش خدمات که هر روز رشد کمی را طی می کند، را نیز در بر می گیرد.

با آنکه از شگردهای کارفرمایان در مناطق نفتی برای به نصف رساندن حقوق کارگران در هفته گذشته خبری را منتشر کردیم، امروزه به تاخیر افتادن حقوق ها به یک روال عادی تبدیل شده است. در اتوبوسرانی تهران یکماه، در پتروشیمی ها ۲ الی ۳ ماه، در مراکز نفتی بین ۳ تا ۶ ماه به امری عادی تبدیل شده است. در شرکت نصر گستر کرمان در اسکله شهید باهنر، بعد از یکسال با کارگران تسویه حساب کردند.

آیا این کارفرمایان در زمان عقد قرارداد با صنعت نفت هیچ پشتوانه مالی ندارند و باید با نقد شدن صورت وضعیتشان به کارگران پول بدهند؟ آیا نپرداختن سختی کار در ایران خودرو بصورت هرامه و در پروژه های نفتی رعایت نکردن موضوع سختی کار از موارد ارزان سازی نیروی کار نیست؟ بازرسی نکردن عمدی کارخانه ها و کارگاهها و شرکت های خصوصی در جهت عدم رعایت قوانین کار، از سوی وزارت کار از موارد ارزان سازی نیروی کار نیست؟

از عسلویه خبرنگاران پیام سندیکا چنین خبر می دهند: «سلام، برادران عزیز کسی برای کار در پالایشگاه ستاره خلیج و شرکت آبدراهان نیاد، چون از لحاظ خوابگاه، سرویس بهداشتی، و غذا وضعیتش خراب خراب است. حتما حقوق بر ج ۱۲ رو نداده اند»

شرکت ال جی مستقر در سیرجان در ضمن عقد قرارداد نه تنها دستمزد ها را به ۷۰ درصد تقلیل داده بلکه مسکن و رفت و آمد را نیز به عهده خود مهندسین گذاشته اند.

طرح کارورزی که از سوی دولت اعلام شده، اصلن گل به خودی است و باید وزیرکار، مجلس، دولت، و طراحان ضد کارگری از سوی صندوق بین المللی پول، تشویق بشوند. این طرح که دانشجویان را هدف گرفته است برای آماده سازی جامعه کارگری در جهت آزاد سازی دستمزد و برداشتن حداقل حقوق و در یک کلام نابودی قانون کار و هرج و مرج در روابط کارفرما و کارگران است. سیاست دولت این است که اگر نمی توان قانون کار را نابود کرد با گذراندن بخشنامه هایی می توان قانون کار را عملن کنار گذاشت.

از عسلویه خبر می رسد که شرکت های پیمانکار نفتی دستمزد کارگران خود را نمی دهند و آنها را برای شکایت حواله به رییس اداره کار می کنند و رییس اداره کار هم به آنان نصیحت می کند که دست از شکایت بردارند چون نتیجه ای نخواهد داشت. آیا از سوی دولت به اداره کار توصیه ای مبنی بر همانگ شدن با پیمانکاران صادر شده است؟

قوه قضاییه و پلیس امنیت سالهاست که به هواداری از کارفرمایان ورود کرده و حکم شلاق و زندان برای کوشندگان کارگری را توصیه و صادر می کنند.

زحمتکشان نمی دانند در کدام جبهه باید بجنگند. با دولت، قوه قضاییه، پلیس امنیت، وزارت کار، شرکت های پیمانکاری خصوصی، شرکت های خارجی که در ایران برای سرمایه گذاری کار می کنند....

اتحاد زحمتکشان، چاره کار است!

هیات تحریریه پیام سندیکا

کارگران نیشکر هفت تپه تنها نیستند!

دیروز و امروز اعتصاب کارگران نیشکر هفت تپه برای بازگرداندن شرکت به دولت در حال انجام است.

کارگران خواستار پس گرفتن شرکت از کارفرمای فعلی که حتا نتوانسته است کمترین تقاضای کارگران را انجام دهد و به تعهداتش عمل کند، هستند. کارفرمایی که دستمزد کارگران و حق بیمه اش را پرداخت نمی کند و فقط با پارتی بازی به کارفرمایی رسیده است بهتر است از شرکت هفت تپه بیرون برود. کارگران هفت تپه در جهت شایسته سالاری به درستی خواهان بیرون رفتن کارفرما از شرکت هستند زیرا کارگران با دست خالی، خود خواهند توانست شرکت را بهتر از این آقایان اداره کنند. کافی به کارگران اعتماد شود.

متأسفانه با خبر شدیم تاکنون ۱۵ نفر از کارگرانی که در اعتراض امروز شرکت داشتند بازداشت شده اند. ما خواهان آزادی سریع همه کارگران بازداشتی هستیم.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ضمن حمایت از خواسته های به حق کارگران نیشکر هفت تپه ، اعلام می کند خواهران و برادرانمان در نیشکر هفت تپه را تنها نمی گذاریم و از تمامی امکانات خود برای رسیدن به اهداف کارگیشان دریغ نخواهیم ورزید.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران

۳ مرداد ۱۳۹۶

عدم پرداخت مطالبات کارگران نیشکر هفت تپه و بازداشت کارگران معترض محکوم است!

طبق اطلاعیه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه در پی اعتراضات کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه در روزهای اخیر و بسته شدن جاده بین المللی اندیمشک به اهواز توسط کارگران در اعتراض به عدم رسیدگی به مطالبات معوق خود، نیروهای پلیس و امنیتی شبانگاه از ساعت ۲۱ سه شنبه سوم مرداد ماه با یورش به خانه های کارگران پانزده تن از آنان را بازداشت کردند. احمد کثیر، بهزاد نظری، سیدهادی تفاح، عبدالرضا سرخه، حمید عبدالله زاده و دو نفر که نام شان صباح سواری است در بین بازداشت شدگان هستند. کارگران اعلام کرده اند که در صورت عدم پرداخت مطالبات معوق خود و همچنین عدم آزادی کارگران بازداشتی اعتراضات خود را از فردا از سر خواهند گرفت.

کارگران زحمتکش مجتمع کشت و صنعت نیشکر هفت تپه اعتراضات صنفی خود را در روز سوم مردادماه با بستن جاده بین المللی اندیمشک به اهواز ادامه دادند. اعتراض کارگران به دلیل معوق شدن سه ماه حقوق، عدم پرداخت چهار درصد حق بیمه کارگران در مشاغل سخت و زیان آور که مانع بازنشستگی کارگران در پانزده ماه گذشته بوده است، اخراج های فله ای، عدم اجرایی شدن مصوبه مجلس در مورد بازنشستگی کارگران نی بر، پایان دادن به وضعیت امنیتی برای کارگران در کارخانه و همچنین عدم پرداخت پاداش و بهره وری سال ۹۴ و ۹۵ بوده است. کارگران خصوصی شدن شرکت نیشکر را از جمله عوامل اصلی ایجاد شرایط موجود می دانند.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ضمن حمایت از بیانیه سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه، تحمیل شرایط غیر انسانی به کارگران را محکوم می کند و از مسئولان استانی و دولت می خواهد هرچه سریعتر مطالبات کارگران پرداخت شود.

یادآور می شود برخوردهای پلیسی و امنیتی و قضایی با سندیکای کارگران شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت تپه که در سال ۸۷ بازگشایی شد، و زندانی شدن و اخراج نمایندگان سندیکا، دست کارفرما برای سواستفاده بیشتر از شرایط به وجود آمده و نقض ابتدایی ترین و بدیهی ترین حقوق کارگران را بازتر کرده است. در چنین شرایطی ما کارگران چاره ای جز تقویت تشکل خود و اتحاد و همبستگی نداریم.

سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه

سوم مرداد ۹۶

تکذیبیه

در چند روز گذشته بیانیه هایی بنام سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه صادر میشود که با تحقیق و پرس و جو از سایر رفقا، متوجه شدیم که این بیانیه ها هیچ ارتباطی با سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ندارد. لذا ضمن محکوم چنین عملی، که اوج بی اخلاقیست اعلام انزجار می کنیم. نظر به وضعیت بوجود آمده در نیشکر هفت تپه و پیامدهای مربوط به آن، چنین اعمالی تنها ریختن آب در آسیاب دشمنان طبقه کارگر، می باشد.

با ارزوی اندکی رفاقت، صداقت و انسانیت

رضارخشان

۱۳۹۶/۵/۵

با توجه به تکذیبیه رضا رخشان و تاکید مجدد دیگر عضو هیات مدیره این سندیکا، از همه تشکل های کارگری درخواست می شود که اطلاعیه های جعلی را نشر ندهند. این دوستان در شرایط سختی هستند و هرگونه حرکتی نسنجیده ای، مشکلاتی را برای اعضای سندیکا و هیات مدیره آن در پی خواهد داشت.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران ۸ مرداد ۱۳۹۶

روند سرکوب کارگران با کدامین اصول قانونی؛

اصول شرع، قانون اساسی یا قوانین بازار آزاد؟!؟!!

Kmkoomk.wordpress.com

اخبار دستگیری کارگران نیشکر هفت تپه خوزستان در برخی از رسانه ها بازتاب یافت. منبع خبر اینستا و بی بی سی

" نیمه شب سوم مرداد ماه حدود ۱۵ نفر از کارگران این کارخانه توسط نیروی انتظامی بازداشت شده اند علت بازداشت این افراد تجمع در دومین روز اعتصاب در محور شوش به اهواز و مختل کردن تردد در این مسیر بوده است. "

دولت های پس از جنگ با حذف قانون کار زیرکانه برای یافتن شریک جرمی در پامال کردن اصول قانون اساسی و حذف قانون کار که در بعضی از اصول آن، از حقوق کارگران دفاع کرده است، توانسته اند پای قوه قضاییه را به بازار کار باز کنند تا هر سه قوه و نیروهای انتظامی در قانون زدایی شریک این دولت ها بشوند.

کارگران هفت تپه به این دلیل به اعتصاب و راه بندان اقدام کردند چون نه وزارت کار و نه هیچ نهاد دیگر حاکمیت در این چند ساله به علت اعتراضات کارگران و به نیاز های قانونی آنها توجهی نکرده اند و به جای رسیدگی به وضع آنها هر بار عده ای از آنها را با کمک محاکم شرع به زندان محکوم کرده اند. در حالیکه این " کارآفرین " های دولت بودند که از پرداخت حقوق کارگران خود داری کرده و حقوقشان را بر اساس میزان کارشان برآورد نمی کنند. نیروهای انتظامی کارگران را دستگیر می کنند و محاکم شرع هم برای اینکه در تاریخ تمدن بشری در صدر بی عدالتی قرار گیرند پذیرفتند به جای هیئت های حل اختلاف با کارگران مانند یک جنایت کار برخورد کنند. نه مانند دو طرف یک قرارداد کار، که یک طرف از انجام وظیفه اش که پرداخت ماهانه حقوق کارگران است خود داری می کند. اگر جرمی اتفاق افتاده باشد به وسیله " کارآفرین " شماسست نه کارگران. کارگران طبق اصول قانون اساسی سندیکای خود را تشکیل دادند ولی شما با زیر پا گذاشتن این اصولی که وجود شما را به عنوان دولت مشروعیت می دهد سندیکالیست ها را به زندان می اندازید!!! قانون کار را که بر اساس اصول قانون اساسی می باید تنظیم نمایید، با هزاران ایراد قانونی تنظیم کردید. ولی همین شیر بی یال و دم را هم از بازار کار ایران حذف نمودید تا اربابان شما در صندوق بین المللی پول (یانکی های گاو چران) اظهار خشنودی نمایند. (عجب مشتی توی دهن آمریکا زدید و عجب مبارزه با امپریالیستی !!!)

سردمدار این گرایش ۱۸۰ درجه ای در مناسبات اقتصادی ایران با دولت رفسنجانی و مشاوران اقتصادی (نولیبرالی) او که هم اینک جزو مشاوران ارشد رییس جمهور هستند، آغاز شد. که در آن مقطع، همه مناطق بزرگ صنعتی ایران رایبه نام مناطق آزاد تجاری - صنعتی از شمول قانون کار خارج کردند، عمل کردی ضد قانون اساسی ایران. پسوند این گرایش واپس گرایانه را رهبرمحبوب اصلاح طلب ها خاتمی با خارج کردن همه کارگاه های زیر ده نفر را از شمول قانون کار کامل نمودند، و مجلس اصلاح طلب ها هم با تایید صد درصدی آن، واقعیت و سرشت اصلاح طلبی را افشا کردند. ولی ملت مسخ و کور شده ی باورهای سده های میانه این واقعیت هارا درک نکردند. شیفته لبخند آن جناب؛ جنایتی را که در حق هزاران هزار خانواده های کارگری کارگاه های کوچک بوسیله خاتمی کاربردی شد، هنوز هم قادر به درک نیستند. از یک سو همه کارگران صنعتی و متخصصی که سازنده صنایع مادر هستند هم چون پالایشگاه ها و پتروشیمی ها ونیروگاه از شمول قانون کار خارج نمودند و از سوی دیگر همه کارگاه های زیر ده نفر را به وسیله رهبر "گفتگوی تمدنها" خاتمی از بازنشستگی و. . . محروم کردند. این روند که زیر سایه حاکمیت دینی صورت می گیرد، با کدامین اصول شرع شما هماهنگی دارد؟! یا با کدامین اصول قانون اساسی که به همه حاکمیت شما مشروعیت داده است قابل انطباق است؟! مدعی آزادی بازار هستید معنای ساده و بدون تعبیر و تفسیر این جمله، یعنی کارگر هم حق دارد سندیکای خود را تشکیل دهد و دولت حق دخالت در این امر را ندارد. همین طور بر اساس اصول قوانین کور بازار آزاد (عرضه و تقاضا) هیچ نهاد حاکمیتی حق پیش گیری از تجمع کارگران را ندارد. دولت های پس از جنگ شما به کدامین اصول پایبند هستید!؟

آخرین ضربه مرگ بار به کارگران را دولت روحانی با طرح اصلاح قانون کار به پیکر کارگران زدند. اعتراضات کارگران این طرح ضد قانونی و ضد انسانی را به عقب راند. ولی وزارت کار پیشنهادی بدتر از آن را به میدان آورد. طرح کا ورزی؛ این طرح باعث می شود که یک دانش آموخته دانشگاه، یک جوان، برای ایجاد زندگی و خانواده باید به عنوان کار آموز با ماهی ۳۱۰ هزار تومان کار کند یعنی یک سوم حداقل حقوق که خود حداقل حقوق با خط فقر فاصله بعیدی دارد. آن هم بدون تضمین استخدام پس از " کار آموزی". دوران برده داری فرعون و روم هم حداقل، محل خواب و خوراک برده ها را تامین می کرداری. نه گور خوابی وجود داشت و نه فروش کودکان برای جای دادن کلیه هایشان در تن سرمایه داران آن سوی خلیج !!!!!! آنهایی که قانون اساسی و قانون سر و دم بریده قانون کار را لگد مال می کنند برای حفظ آبروی رفته اشان به دنبال شریک جرم هستند. تا در تاریخ بعد از این، بدنامی ضد مردمی شان را بین همه نهادهای حکومتی سرشکن کنند. از این رو با ترفند، پای قوه قضاییه را وارد بازار کار کردند، تا به جای هیبت های حل اختلاف نظر بدهند که در این مورد به خوبی موفق شدند و کارگران را که برای دریافت حقوق های به تعویق افتاده اشان دست از کار می کشند که از نظر قانونی این عمل کرد اعتصاب نیست که اگر هم باشد طبق اصول قانون اساسی است ولی آقایان با (کلاه شرعی) آنها را به شلاق و زندان محکوم می کنند. بدون اینکه حتی یک بار یک دلال

کار (کارآفرین) را برای عدم پرداخت حقوق کارگران مجازات کرده باشند. همه ی این عمل کردهای دولت های پس از جنگ برخلاف قانون اساسی است و مشروعیت ندارد و ایران را به پنجاه سال پیش از انقلاب مشروطه باز می گرداند. به دورانی که نیازمند یک مستشارالدوله دیگری است و کتاب " یک کلمه" او؛ و فریاد مشروطه خواهی. بدین وسیله اتحادیه نیروی کارپروژه ای ایران با کارگران هفت تپه اظهار هم دردی می کنند و برخورد نیروی انتظامی و محاکم شرع با کارگران را محکوم می کنند، قضاوت در مورد این اختلافات با هییت های حل اختلافی است که آن را از میان برداشته اید. وظیفه این دو نهاد برخورد با جنایت کاران است نه طرفهای قرداد کار، که یکی از آنها (سرمایه دار) به وظایف خود عمل نمی کند. با امید به اتحاد همه کارگران ایران در سندیکا های خود .

برخی از کارگران به اتحادیه ایراد می گیرند و باور دارند، استناد اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران به اصول قانون اساسی، استناد به یک توهم است. زیرا چنین قانونی در عمل وجود خارجی ندارند. این اتحادیه هم باور دارد در عمل کرد دولت های پس از جنگ این واقعیت نهفته است. ولی همین دولت ها هنوز شهامت آن را ندارند که رسماً به دور ریختن قانون اساسی اعتراف کنند، زیرا؛ مشروعیت امروز آنها در سطح جهانی به وجود همین قانون وابسته است. این استناد اتحادیه، برای خیل آن افرادی است که به این قانون و دولت باور دارند، تا آنها هم دریابند در حاکمیتی زندگی می کنند که در واقعیت عمل کردهایش، پایبندی به هیچ قانونی از جمله قانون اساسی وجود ندارد.

اتحادیه نیروی کار پروژه ای ایران

سخن گو ناصر آقاجری

۵ مرداد ۹۶

گزارشات کارگری از واحدهای تولیدی سراسر کشور



گزارش خبرنگارپیام سندیکا از ایران خودرو



ایران خودرو

در ایران خودرو مبلغ ۴٪ سختی کار کارگران را هر ماهه به تامین اجتماعی واریز نمی کنند. بلکه در زمانی که کارگر به سابقه ۲۰ سال رسید این مبلغ به تامین اجتماعی واریز می شود. سوال این است چرا سختی کار کارگران هر ماهه از سوی شرکت به تامین اجتماعی واریز نمی شود؟

۱-مبلغ ۴ درصد سختی کار هر ماهه مبلغ هنگفتی می شود که شرکت با سود آن بسیار استفاده مالی می برد

۲- دلیل این ترفند ضد کارگری این است که چنانچه کارگری در حین کار فوت کند مستمریش از سوی سازمان تامین اجتماعی پرداخت خواهد شد و شرکت هم از پرداخت ۴ درصد سختی کار فارغ شده و پول این ۴ درصد در جیبش خواهد ماند.

۳- چنانچه کارگری در زمان قبل از رسیدن به بازنشستگی قراردادش تمدید نشود و یا به هر دلیلی اخراج شود باز هم ۴٪ هزینه سختی کارش در جیب ایران خودرو می ماند.

بازرسان تامین اجتماعی و به ویژه مدیریت تامین اجتماعی در این دزدی کثیف همراه شرکت های بزرگ هستند و دلیل محدود کردن سندیکاهای کارگری دقیقن به همین دلیل است تا نظارت کارگری بر این دزدی ها اعمال نشود و حقوق کارگران مورد سواستفاده شرکت های چون ایران خودرو قرار گیرد.

گزارشی دیگر از خبرنگار پیام سندیکا از ایران خودرو

یکی از مشکلات کارگران ایران خودرو که در سالهای ۷۵ تا ۸۱ تحت پوشش بیمانکاری های نیروی انسانی قرار گرفتند این موضوع است که سختی کار این کارگران در طی این سالها واریز نشده است. این کارگران که زیر نظر تعاونی خاص مشغول به کار بوده اند امروز با مشکلی به نام عدم واریز سختی کار این سالها روبرویند و مدیریت نیز قدمی برای حل این مشکل بر نمی دارد. این درحالی است که شرکت تعاونی با همکاری مدیریت ایران خودرو در آن سالها مبادرت به این اجحاف در حق کارگران کرده است.

اعتراض کارگران با این ترفند روبرو شده است که تعاونی که به کارگران پیشنهاد داده است از سهام موجود آنها در شرکت تعاونی این مبلغ سختی کار به تامین اجتماعی واریز شود. یعنی سودی را که به مدت ۶ سال با برده کردن کارگران بدست آورده اند در جیب مدیریت نامحترم تعاونی خاص بماند و خود کارگران همچنان متضرر باقی بمانند.

این گونه اجحافات دقیقن به عدم نظارت وزارت کار و بخش بازرسی آن و عدم اجرای قانون و سیاست های ضد کارگری وزارت کار برمی گردد.

آیا وزیر و زیر مجموعه اش از این حق کشی آشکار بی خبرند؟

مشکلات کارگران مدیریت انرژی و بهینه سازی سوخت و ذوب آهن



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- این مجموعه به دلیل وجود کمبود کمپروسورهای زیاد با حساسیت بالا و منابع تحت فشار دارای سختی کار و خطرات بسیار است که باید در موضوع افزایش مرخصی های سالانه و دستمزدها لحاظ شود.

۲- کار با قطعات سنگین و یکنواختی کار این بخش از شرکت باعث مشکلات روحی و جسمی می شود و باید سختی کار در این بخش مورد رسیدگی و تصویب قرار گیرد. همچنین در افزایش سنوات نیز تغییراتی صورت گیرد.

۳- تغییر چارت و ارتقای سمت ها در این بخش از دیگر خواسته های مکرر کارگران است

۴- عدم پرداخت وام مسکن به زوج های جوان، طولانی شدن وام های ضروری، الویت بندی سهمیه تورهای انزلی و نامناسب بودن پذیرایی در شیفیت شب از دیگر مشکلات کارگران این بخش است.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران ذوب آهن



شرکت سهامی ذوب آهن اصفهان

۱- مدیریت در اقدامی غیر معمول سهمیه شیر قسمت های مختلف شرکت را کاهش داده و فقط به بخش هایی که به قول خودش شغل کارگران بیماری زا تشخیص داده می شود، شیر تعلق خواهد گرفت. با توجه به آلودگی هوا در کلیه قسمت ها این کاهش سهمیه نقض قوانین کار و حقوق کارگران و کم کردن دستاوردهای کارگران می باشد و در راستای کم کردن هزینه ها صورت گرفته است. آیا بهتر نیست از دستمزدهای آنچنانی بعضی از مدیران کاسته شود تا هزینه ها کمتر شده و شیر به کارگران داده شود؟

۲- به دلیل وجود حشرات و حیوانات موذی در شرکت، سمپاشی کلیه مناطق باید هرچه سریعتر انجام شود تا بیماری های واگیردار از حیوان به انسان منتقل نشود. همچنین موضوع پسماندها که سالهاست کارگران را رنج می دهد بصورت علمی بررسی و هرچه زودتر رفع شود.

۳ - بازنشستگان شرکت از نحوه الویت بندی سهمیه ویلاهای انزلی و چادگان ناراضی هستند. همچنین با آمدن تابستان هنوز کارت های استخر بازنشستگان توزیع نشده است

گزارش از نیشکر هفت تپه



در حالی که هنوز مشکل کارگران با مدیریت کارخانه حل نشده است در سایت کارخانه هفت تپه برای آنکه نشان دهد کارگران مشغول کارند و هیچ اتفاقی نیفتاده و اعتصابی هم در کار نیست و کسی هم دستگیر نشده است، اقدام به پخش عکسی از فعالیت کارگران در کارخانه شده است.

از آنجایی که دروغگو کم حافظه می شود درعکس سمت چپ فردی که خم شده صبح سواری است که چند روزه در بازداشت قرار دارد.

مدیریت به جای این دروغ سرهم کردن ها آیا بهتر نیست، کارخانه را به کارگران وا گذاشته و به دنبال زندگیش برود تا کارگران خود کارخانه را به سامان برسانند؟

گزارش از اعتصاب نیشکر هفت تپه



امروز ۲ مرداد از صبح اعتصاب گسترده کارگران شاغل نیشکر هفت تپه به همراه خانواده صورت گرفت. کارگران جاده شهر به شرکت نیشکر هفت تپه را بستند. علیرغم فضای شدید امنیتی و پلیسی و آوردن حراست سه شیفت شرکت توسط مدیر دوشغله و بازنشسته عباس خنیفر به شیفت روزگاری، برای خنثی کردن اعتصاب، خوشبختانه امروز کارگران بخشهای مختلف شرکت نیز در اعتصاب شرکت کردند.

همسران کارگران از صبح امروز بخاطر فشار شدید اقتصادی و بی پول و فضای امنیتی که برای همسرانشان بوجود آمده است، در مقابل درب شرکت تجمع و به کارگران حاضر در تجمع داخل محوطه صنعتی، پیوستند. بعد از پیوستن خانواده های به اعتصابیون، کارگران از شرکت خارج شده و جاده حر به هفت تپه را بستند و مانع عبور و مرور وسایل نقلیه شدند. پس از آن بدلیل گرمای زیاد، کارگران به درب شرکت مراجعه کرده و در آنجا تحصن را ادامه دادند. کارگران بخاطر گرمای شدید از همسران حاضر در تحصن خواستند، تجمع را ترک و برای فردا که قصد بستن جاده شوش به اهواز را دارند، آماده شوند.

برخی از سرپرستان شرکت تحت فشار مدیریت شرکت هستند تا مانع ادامه اعتصاب گردند. در اعتصاب امروز کارگران خواهان بازگشت شرکت به دولت بعد از ۱۵ ماه واگذاری به بخش خصوصی بودند

از ساعت ۱۱ صبح حضور نیروهای انتظامی و لباس شخصی امنیتی و احتمالاً استانی در مدیریت شرکت محسوس است. و این در حالی است که کسی از مدیران شرکت حضور ندارند

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از مشکلات کارگران پارس جنوبی



در شهرک شهید حاجبی پالایشگاه ستاره خلیج که محل کمپ سکونت کارگران هست، شرایط رفاهی و بهداشتی درستی برقرار نیست. به عنوان نمونه سرویس های بهداشتی آبداراهان و تهران جنوب مایع دستشویی ندارند و کارگران یا بایستی خود مایع بخرند و یا اینکه بایستی از شامپو و تاید استفاده بنمایند. یا اینکه فشار آبها کم است و شیر و درب حمامها شکسته شده اند و صف حمام هم بسیار کسل کننده می باشد و بوی عرق در سالن بسیار آزار دهنده و هواکشی وجود ندارد. سهمیه قند و چای نمی دهند و کارگر مجبور است از بوفه شرکت خرید کند. غذاها بی کیفیت است به گونه ای که از ساعت ۹ به بعد و خصوصاً در تابستان و گرما بدنهای تحلیل می روند و ضعف بدنی آغاز میشود.

دستمزد کارگران به موقع داده نمی شود و کارگر را با صد یا دویست هزار تومان زورکی به مرخصی فرستاده می شود. وقتی کارگری بعد از چند ماه کارکردن دستمزدش را دریافت نمی کند و در صورت اعتراض کردن؛ بایستی تاوان نگاه سرد و پر از خشم کارفرما را بر دوش بکشند و انگار که کارگر به او بدهکار هست. جواب اعتراض هایمان با بغض و کینه ماندگار کارفرما داده میشود. و رییس حراست بجای روبرو شدن با رؤسای شرکتهای و کارفرما در جهت پرداخت حقوق کارگران، کارگران را تهدید می کند.

آنها بدون دادن دستمزد کارگر، او را بخاطر مطالبه گری دستمزد قانونیش تسویه و بلک لیست می نمایند و پولی هم در حساب آنها ریخته نمی شود؛ مانند کارگران شرکت مادکوش صنایع فولاد بندرعباس که هنوز نصف حقوق آذر

ماه، و کل حقوق دی، بهمن و اسفندشان را بعد از ۸ ماه نگرفته اند. شرکت نصر گستر کرمان در اسکله شهید باهنر که کارگران با کلی التماس، پس از یکسال حقوق شان را دریافت کردند.

سخن از پروژه های ملی است؛ چرا رفتار کارفرماها در سطح شعور و کارکرد ملی نیست؟ چرا دولت پیمانکارانی را به این پروژه ها روانه می کند که جز بی آبرو کردن خود و کارگزارانش عرضه کار دیگری را ندارد؟ دولت روشن کند با اتکا به چه قانونی کارفرما سهم کارگرمیان را هم از ما دریغ می کنند؟!

حقوق کارگر را پاس بدارید و آن وقت از امنیت ملی و پروژه های ملی داد سخن برانید. در پایان بایستی بگویم که تبهکاران واقعی کسانی هستند که حقوق حقه کارگر پاس نمی دارند.

وارتان خرمدین، عضو سندیکای فلز کاران مکانیک ایران ۱۳۹۶/۴/۳۰

گفتگوی خبرنگار پیام سندیکا با کارگران پروژه ای (۱)

کسی علی و امیر و مجید قیطاسی رو میشناسه؟؟

اگر پیشنهاد کار برای اسکله شهید رجایی واقع در مخازن گسترش با هر سمتی به شما داده شد، تحت هیچ شرایطی قبول نکنید. من و بیش از چهل نفر دیگر اونجا کار کردیم برای پیمانکار امیر قیطاسی (از اهالی شهرستان ازنا) قبل از عید فطر ده روز اعتصاب داشتیم که با دعوا و درگیری مقدار ناچیزی از شرکت کارفرما، استیم دریافت کردیم.

موقع اعتصاب چند بار به ما دروغ گفتند. ما رو دور میزدند. گارد ساحلی حضور پیدا کرد. ناظر توسعه اراضی اسکله آقای آذربیکان هم حضور پیدا کرد. اما رییس شرکت کرانه غرب که کارفرمای اصلی بود فرار کرد. رییس شرکت استیم هم گفت: «شما برای پیمانکار کار کردید به شرکت ربطی

ندارد. خلاصه تنها حرفی که نیروها و کارگران مظلوم از ناظر توسعه و گارد و اداره کار شنیدند دقیقا عین همین جمله بود: « شماها غلط کردید برای شرکت دزد و بدحساب کار کردید. بیجا کردید برای پیمانکار فراری کار کردید » خلاصه ما چند بار مراجعه کردیم و دعوا راه انداختیم فایده نداشت.

خبرنگار ما معتقد است که این شگرد کارفرمای استیم است تا به این وسیله دستمزد کارگران را بالا بکشند.

گفتگوی خبرنگار پیام سندیکا با کارگران پروژه ای (۲)

سلام. والا چی بگم؟ اونجا کسی به داد کارگر نمیرسه. صدای کارگر هم به گوش کسی فرو نمیره. آقای آذریچکان ناظر توسعه اراضی اسکله شهید رجایی، آقای بهاری از گارد ساحلی و حراست مسئول شکایات کارکنان، آقای مبارکی سرپرست و رئیس شرکت استیم در اسکله شهید رجایی، آقای ساجدی مسئول حفاظت و ایمنی شرکت ستیران زیرمجموعه شرکت کرانه غرب، همه اینها یا وظیفه شناس نیستند یا حق خور هستند یا لیاقت این سمتها رو ندارند

زمانی که ما اعتصاب کردیم خود آقای مبارکی شماره رئیس اداره کار واقع در اسکله رو داد و گفت: « برو شکایت کن از من و شرکت استیم. » رقتیم اداره کار، رییس اداره کار گفت: « باید قرارداد داشته باشید و پیگیر شکایتتون باشید و شاید شش ماه طول بکشه تا به نتیجه برسید»

ماه هم دلسرد شدیم از شکایت. چون اولاً قرارداد نداشتیم و فکر کنم با رئیس شرکت استیم یک ارتباط مشکوکی داشتند.

روسای اداره کار شهرستان های مستقر در پارس جنوبی با هماهنگی کارفرماها کارگران را سرگردان و دلسرد می کنند.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از وضعیت نامناسب کارگران پروژه های نفتی:

دروود به کارگران سرزمینم،

کارگران پروژه ای بیش از دو تا سه ماه از خانه خود دور می شوند و در پروژه های جنوب کشور با شرایط بد آب و هوایی در تلاش برای ساختن پروژه های نفت و گاز، با تمام وجود از جان خود مایه می گذارند تا هم با عزت نفس و سربلندی در خدمت خود و خانواده هایشان باشند و هم اینکه برای آبادی میهنمان ایران در خدمت اقتصاد ملی باشند؛ اما شوربختانه کارگرانی با اینهمه شور و حرارت که دارای خلاقیت های ویژه می باشند، در بدترین شرایط زیستی و حقوقی قرار دارند .

کارگران پالایشگاه نفت ستاره بندرعباس که زیر نظر پیمانکاری های آبادراهان، رجایی، مهدی پور، عمران ساحل، پایندان، ناصری و سلحشور و کار می کنند و در شهرک شهید حاجبی اسکان یافته اند در وضعیت درست حقوقی و رفاهی و بهداشتی نمی باشند. این شرکتها هنوز از برج ۱۱ تاکنون دستمزد کارگران را پرداخت نکرده اند و کوچکترین اعتراضات را با خشونت پاسخ می دهند. حقوقها بسیار کم می باشند و فشار کاری خیلی زیاد بر دوش کارگران سنگینی می نماید. وضعیت بد غذایی و بی کیفیت می باشد و بیشتر کارگران ناچار هستند به گونه ای از جاهای دیگر پول قرض کرده، خرج خوراک و قند و چای کنند.

کارفرمایان به هیچ وجه در قید ایمنی و بهداشت و مشکلات کارگران نبوده و نیستند. حمامها خراب، ، لوله ها و شیر لوله ها شکسته و فشار آب کم می باشد. حمام کردن برای کارگرانی که در یک سوله ۱۲۰ نفری با ۶ حمام که نیاز به وقت بیشتر هم دارد بسیار سخت و مشکل می باشد. کاملن پیداست که همه کارگران نمی توانند در سریع ترین زمان ممکن که از سرکار می آیند حمام کنند. وقتی که با بدن پر از عرق در فضای اتاق که گاه تا دوازده نفر هم میرسند، استراحت نمایند تا نوبت حمامشان بشود. شوربختانه حشره خطرناک ساس در داخل خوابگاهها نفوذ کرده و ایجاد خارش پوست می نماید و زندگی را بر کارگرانی که در آن اتاق هستند تلخ می نماید و هیچ راهی به جز سمپاشی

ندارد. در بسیاری از خوابگاههای کمپ شهید حاجبی پالایشگاه نفت ستاره بندرعباس چنین حشره ای موجود است و این امر فقط بخاطر ایجاد وضعیت نامناسب بهداشتی از جانب کارفرما و بی مسؤولیتی نفرات و کارکنان ایمنی و بهداشت شرکت است که به تندرستی کارگران توجه نمی نمایند. بیشتر سرویسهای بهداشتی مایع دستشویی هم ندارند. به گزارش یکی از کارگران فنی پایبینگ هیچ نظمی در اینجا وجود ندارد و انگار که همه ما کارگران بصورت رایگان برای کارفرمایمان کار میکنیم؛ چون هیچ خبری از حقوق و شرایط مناسب نیست و بخاطر شرایط سخت زندگی، آنها شرایط خفت بار را بر ما تحمیل می نمایند و اعتراض نسبت به این وضعیت ناگوار و غیر انسانی، هیچگونه نتیجه ای برایمان نداشته است.

امید است که کارگران با گفتگو و همدلی به سمت عضویت در سندیکاهای کارگری رفته و با اتحاد با دیگر برادران کارگراشان، زمینه را برای ایجاد شرایط بهتر آماده بنمایند. (با سپاس، وارتان خرم‌دین، عضو سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران، ۱۳۹۶/۵/۶)

ایمنی در کار

« دستمزد ناکافی و سوء تغذیه ناشی از آن برای خانواده ها باعث می شود که ایمنی از اهمیت درجه یک برای کارگران برخوردار نباشد، به همین دلیل هم هست که گاه گاه می توان کارگرانی را دید که در کارگاه های سرشار از دوده و سموم و گرد و غبار سهمیه شیر خود را که اتفاقاً ناکافی هم هست از کارگاه خارج می کنند تا سلامتی خود را فدای رفع سوء تغذیه از خانواده ی خود کنند. یا در کارگاه هایی که کفش و لباس کار و ... می دهند، با هزار ترفند می کوشند این ملزومات کار ایمن را از کارگاه خارج کنند و بتوانند با فروش آن سوراخ های بی شمار زندگی را پر کنند.

چنان که دیده ایم و می بینیم نیروی کار و جان کارگر آنقدر ارزان تلقی می شود که حتی خود کارگران هم، گاه از سلامتی و تندرستی به راحتی چشم می پوشند. انگار که خودشان هم باور کرده اند که زندگی و سلامتی شان چندان بهایی ندارد. پس به راحتی، خوردن شیر را برای کودکان خانواده و هزینه کردن پول حاصل از فروش لوازم ایمنی دریافتی را به نفع خانواده ترجیح می دهند.»

گزارش پیام سندیکا از شرکت داروسازی نوین کاوش مامطیر ساوه



در اواخر سال ۹۵ خبرهایی مبنی بر تعطیلی شرکت نوکام از سوی خبرنگار پیام سندیکا منتشر شد که، مدیر عامل شرکت آقای مهندس طهماسبی به شدت این خبر را تکذیب کرده و اعلام کرد که شرکت از ۹۶/۱/۲۴ فعالیت عادی خود را پیگیری می کند و کارگران و مدیران در تاریخ فوق در محل کار حاضر شوند. لازم به ذکر است که در تاریخ ۹۶/۱/۲۴ به علت بازرسی، پرسنل را در شرکت حاضر کردند تا اوضاع شرکت را فعال جلوه دهند بعد از اتمام بازرسی و عصر همان روز بدون اطلاع قبلی تعدادی از پرسنل را بدون در نظر گرفتن حق و حقوق اخراج کرده و از ۹۶/۱/۲۵ اجازه ورود به شرکت را نداده اند.

مدیریت شرکت مهندس طهماسبی نیز با دروغ و عوام فریبی در راستای فروش و بهبود اوضاع شرکت بدون حقوق و بیمه و سرویس و غذا و... پرسنل باقیمانده را که حدوداً ۲۵ نفر می باشند بلا تکلیف و بدون حقوق و بیمه و... نگه داشته و تعدادی هم اخراج شده اند.

در حال حاضر حدود ۸ ماه است که کارگران حقوق نگرفته اند و صحبت از فروش کارخانه است بدون اینکه به حق و حقوق کارگران رسیدگی شود.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از ترفند های تاکسیرانی برای سردواندن رانندگان تاکسی



یکی از رانندگان می گوید: وقتی با تعداد از رانندگان به سازمان مراجعه کرده و تخلفات را گزارش می کنیم. مسوولین میگویند: حق با شماست. تا اوضاع را آرام کنند، بعد بهتون قول میدن که تا چند روز دیگه به تخلفات رسیدگی خواهند کرد و نامه ای هم میدن که امضا کنید و اسمتون را بنویسید. بعد که از سازمان اومدی بیرون سریع به رفیق دزدشون در داخل شرکتهای خصوصی تماس میگیرن و طبق اون لیست اعلام میکنن که این راننده ها اومدن از شما شکایت کردن، ماهم فرستادیم دنبال نخود سیاه. بعدشم به شرکتهای میگن یه سری شونو با سرویس دادن خوب، سرشونو گرم کنید. بقیه راهم خود سازمان کله پا میکنه. این سیستم تاکسیرانی در برخورد با تخلفات شرکتهای است.

یا برای اینکه راننده ها رو خسته کنند به این صورت برنامه ریزی می کنند. مثلاً الان شرکت تاکسی بیسیم تهران در این اوضاع خرابی کار و بی مسافری، از رانندگان کمتر از شارژ ماهی ۲۰۰ هزار تومان قبول نمیکند. اگر کارکرد بالای دو میلیون باشه ده درصد حساب میکنه ولی اگر پایین باشه یا شما مریض باشی یا ماشینت خراب باشه و به هر دلیل موجه ای کار نکنی ماهی ۱۵۰ هزار تومان از راننده میگیره. و الان جدیدن رنگ لباس فرمشو عوض کرده که راننده بره از فروشگاهی که خودش معرفی کرده ۴۵۰ هزار تومان بده بابت لباس و اگر کسی این کار را نکنه داخل شرکت هیچکاری برای اون راننده انجام نمیشه. بعد همکارا رفتن تاکسیرانی اعتراض کردن. سازمان گفته حق با شرکته برین لباس فرم بپوشین. خب چرا شرکتهای که ماهی ۲ میلیارد درآمده لباس فرم رو رایگان نمیده مثل شرکت واحد؟؟

اخبار کارگری شرکت واحد اتوبوسرانی تهران:

۱- بنا بر اخبار دریافتی از سازمان تامین اجتماعی، بدهی های جاری شرکت واحد اتوبوسرانی به سازمان تامین اجتماعی پرداخت شده است و حدود پنج میلیارد تومان از بدهی شرکت واحد همچنان معوق مانده است که عمده آن مربوط به چهار درصد حق بیمه کارگران در مشاغل سخت و زیان آور می باشد.

بدهی شرکت واحد به تامین اجتماعی به شانزده میلیارد تومان رسیده بود و به همین دلیل تامین اجتماعی دفترچه های کارگران را تامین اعتبار نمی زد. با پرداخت بدهی های جاری شرکت واحد به تامین اجتماعی در حال حاضر کارگران می توانند با مراجعه به تامین اجتماعی دفترچه های بیمه خود تامین اعتبار بزنند.

۲- امروز ۱۷ تیرماه رانندگان شرکت واحد خط ۷ بی آرتی به نشانه اعتراض چراغ های اتوبوس خود را روشن کردند

امروز هفدهم تیر ماه رانندگان شرکت واحد خط هفت بی آرتی (راه آهن به تجریش و پایانه افشار) در یک حرکت اعتراضی چراغ های اتوبوس های خود را روشن کردند، این اعتراض به علت عدم شارژ بن کارت ها (کمک های غیرنقدی) برای عید سعید فطراست که باید به حساب رانندگان واریز میشد که مدیریت شرکت واحد از پرداخت این شارژها خوداری کرده است. عوامل مدیریت و حراست شرکت واحد با ایجاد رعب و وحشت تلاش کردند که اعتراض این رانندگان زحمت کش را خاموش کنند که موفق به سرکوب صدای اعتراض رانندگان نشدند و چراغ این اتوبوس ها تا تاریک شدن هوا همچنان روشن ماند، رانندگان به مدیریت هشدار دادند در صورت عدم پرداخت از سوی کارفرما اعتراضات همچنان ادامه خواهد داشت. تعدادی از این رانندگان را فردا به حراست شرکت واحد احضار خواهند کرد.

گزارش خبرنگار پیام سندیکا از قطعی برق



از اوایل تابستان قطعی برق در تهران، کرج، خوزستان، ایلام، سیستان و بلوچستان آغاز شده است. این درحالی است که از فروش برق به ارمنستان و دیگر کشورهای همسایه خبرهایی به گوش می رسد.

در دوران ریاست جمهوری آقای احمدی نژاد با هیاهوی بسیار راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر در دستور کار قرار گرفت و راه اندازی شد.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک بر پایه اظهار نظر کارشناسان مطلع این باور است که چنانچه برق تولیدی این نیروگاه به مصرف داخلی برسد، به تنهایی نیمی از مصرف برق مورد نیاز کشور را برآورده کرده و این برق کم هزینه می تواند ۲۴ ساعت به مصرف رسیده و مردم هم هزینه کمی پرداخت کنند.

سوال اینجاست: راه اندازی نیروگاه اتمی بوشهر و فروش برق به همسایگان و قطعی مکرر برق به دلیل کمبود برق تولیدی را چگونه می توان در کنار هم گذاشت؟ با توجه به اینکه رنج تحمل قطعی برق و گرما فقط به زحمتکشان شهر و روستا تحمیل شده و سرمایه داران در برج های خود از برق اضطراری استفاده می کنند.

تسلیت به کارگران، تبریک به سرمایه داران

پس از هزانتخاباتی و سرکارآمدن فرد یا جریان پیروز، بخصوص درانتخابات ریاست جمهوری که مبتنی بر اجماع عمومیت، معمولاً رسم برین منوال است که در اولین روزهای بعد از پیروزی، اقدام به تصویب و یا اجرای طرحهایی میزند که مورد موافقت و رضایت کسانی باشد که در پیروزی او نقش موثری داشته اند و یا افراد و احزابی که از او حمایت کرده اند را در مناصب مختلف به کار می گیرد. در کشور ما متأسفانه بدلیل شرایط خاص سیاسی، احزاب واقعی با بدنه وسیع اجتماعی ملاحظه نمی شود بلکه معمولاً احزاب و جریاناتی حضور دارند که کمتر تمام وقت فعال بوده، یعنی فقط در زمان انتخابات چند نفری دور هم جهت شده و بنام حزب از یکی از کاندیداهای ریاست جمهوری حمایت می کنند یا در انتخابات شوراها از لیستی خاص اعلام حمایت می کنند تا شاید در صورت پیروزی و در بازی سیاست که مبتنی بر مولفه های قدرت و ثروت است دست بالا پیدا نمایند. بدون آنکه ثمرات این پیروزی در پایین دست جامعه ملاحظه شود. تشکیل حزب می بایست از پایین ترین سطح افراد جامعه، یعنی کارگر، کشاورز، دانشجو، روستایی، پرستار، معلم، باسواد و بیسواد تشکیل شود چون هر فرد، با هر جایگاه اجتماعی در انتخابات، تنها یک رای دارد. اما برگردیم به ایران و پیروزی جریان دولت روحانی که بشدت طرفدار مناسبات سرمایه داریست، گویا کارگران در این انتخابات در طیف جریان بازنده قرار گرفته اند که این چنین، با طرح لوایح و بخشنامه هایی، طبقه کارگر مورد عتاب و تنبیه قرار می گیرد. شاید فکر می کنند که گفتمان جریان رقیب که مبتنی بر حمایت از دهکهای پایین جامعه بود، اقبال کارگران را بیشتر به همراه خود داشته است و این چنین باید مورد تنبیه قرار گیرند. جدا از بحث خصوصی سازی های گسترده و غیرکارشناسانه، بخوانید خانه خراب کن برای کارگران، اجرای طرح ضد کارگری کارورزی از جمله این مصیبتهاست. اما چرا ما با طرح کارورزی مخالفیم؟ اولاً این طرح به هیچوجه موجب کاهش بیکاری نمی شود و در آن کارفرما الزامات قانونی در فردای پس از کارورزی ندارد. بعدش هم وجود این طرح فی نفسه موجب تضعیف جایگاه قانون کار می گردد. یعنی عملاً موجب تضعیف آن بخش از قوانین محدودی که در راستای منافع کارگر

است، می‌گردد. همانطور که در مسئله قراردادهای سفید امضاء، قانون کار دور زده شد. مشکل دیگر این طرح عدم انجام تعهدی است که دولت برای خود ایجاد کرده است و آن پرداخت حق بیمه کارورزان توسط دولت به تامین اجتماعیست. در صورتی که دولت نتواند تعهدی که برای خود ایجاد کرده را پرداخت نماید و یا مثل روال گذشته که بجای پرداخت تعهد خود به این سازمان، شرکتهای ورشکسته را در قالب اصل ۴۴ به تامین اجتماعی واگذار می‌کرد این بار فاجعه عظیمی اتفاق خواهد افتاد و سازمان تامین اجتماعی هم با کمبود بیمه‌گذار مواجهه شده و تناسب بیمه‌گذار به مستمری بگیر هم بهم خواهد خورد، لذا بدلیل کمبود منابع مالی عملا فلج خواهد شد. اگر سازمان تامین اجتماعی با این سیاست دولت مخالفت جدی نمیکند بدلیل این است که رئیس این سازمان توسط دولت انتصاب میشود. طبقه کارگر در ایران اقدامات ضد کارگری و مصیبت بار مرتضوی در سازمان تامین اجتماعی در زمان دولت های نهم و دهم را فراموش نکرده اند و آثار مخرب سیاستهای غلط ایشان هنوز برطرف نشده که دولت روحانی با طرح کارورزی و دیگر طرحها در حال تیشه به ریشه زدن این سازمان هستند. از سوی دیگر، از دانشجویان و فارغ التحصیلان دانشگاهی که در انتخابات اخیر، در جهت کمک به جریان دولت فعالیت می‌کردند، انتظار میرفت با عطف به اینکه قانون طرح کارورزی از برنامه های آتی دولت روحانی است و اگر ایشان مجددا انتخاب شود و طرح فعلی را پیش ببرد موجب تحقیر و از دست رفتن فرصت زندگی خواهد شد. این مطالبه یعنی حذف این طرح را در صورت پیروزی از دولت خواستار شوند که متأسفانه این چنین نشد. با این حال، درین سالهای اخیر، وجود قانون کار فعلی، خاری در چشم و استخوانی در گلو، هم برای دولتها و هم برای کارفرماها بوده است. سعی و تلاش فراوانی در جهت تغییرات قانونی در آن شده است که با مقاومت جامعه کارگری، تاکنون ره بجایی نبرده است. اما گویا این بار جهد و تلاش نه در جهت تغییر، بلکه دور زدن این قانون است. وجود طرح کارورزی را میتوان در همین راستای دور زدن و تضعیف قانون کار بحساب آورد. البته شاید یکی از دلایل و یا حتما مهمترین دلیل اجرای چنین طرحی، حرکت شتابان دولت روحانی بسمت مناسبات سرمایه داری که قطعا در این مسیر توصیه ها و فرامین سازمان تجارت جهانی و صندوق بین المللی پول از جایگاه ویژه ای برخوردار می

شوند را میتوان ذکر کرد. تا نیروی ارزان کار را برای نظام سرمایه داری فراهم کند. ایجاد شغل بهانه است شغلی که در آن یک سوم حقوق ثابت به کارورز پرداخت شود و هیچ تضمینی در رابطه با کارفرما و پس از پایان دوره کارورزی وجود نداشته باشد تا فرد مذکور را جذب نماید، شغل نیست بلکه بردگی و تحقیر آدمیت است.

و جامعه کارگری یک بار برای همیشه می بایست تکلیف خود را با این گونه اقدامات فریبکارانه و هماهنگ شده، بین دولتیان و کارفرمایان را مشخص کند چاره کار در برخورد با چنین طرحهای ضدکارگری همانا تشکل یابی و سازمان یابی مستقل کارگریست که باعث همبستگی بین کارگران در مقابل چنین طرحهای ظالمانه ای می گردد. تجربه ثابت کرده از زمان انحلال یک جانبه سندیکاهای کارگری و ایجادشورای اسلامی کار و وجود افراد مهندسی شده بعنوان نماینده کارگر نمی شود با این اقدامات دوجانبه که در دولت طرفدار سرمایه داری روحانی تشدید شده است، مقابله کرد. مناسفانه درلوی اجرای اصل ۴۴ شرایط بگونه ای رقم می خورد که اصل هدف فراموش شده و هم نحوی واگذاریها جای حرف و حدیث دارد که یا خصولتی است یا خودمانی سازی (رانتی) و هم اجرا آن باعث شکاف عمیق طبقاتی بین جامعه شده. هر چی هست خصوصی سازی نیست. اگر هم هست که برای ما، باز هم مصیبت است.

با آرزوی بهبودی شرایط زندگی طبقه کارگر در جهان

رضارخشان فریدون نیکوفرد

از کارگران نیشکر هفت تپه

۱۳۹۶/۴/۲۴



در آرامگاه شرافت تمام مرده ها، زنده اند!

نابغه ایرانی و شرافت علم و دانش ایرانی مریم میرزا خانی چشم از جهان بر بست. او نشان داد که می توان با ارداه ای پولادین سدها و سختیها و سختگیری ها را به کناری و زد و موفق شد. او در جایگاه علمی اش نیز فروتنانه مردم و کشورش را دوست می داشت. یاد و خاطره او در پهنه علم و دانش ایرانی همیشه زنده است.

سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران درگذشت بانوی دانشمند ایرانی را به هموطنان و زنان ایران زمین و خانواده گرامیش تسلیت می گوید.

روابط عمومی سندیکای کارگران فلزکارمکانیک ایران تیرماه ۹۶

مرگ او

زندگی دوم او بود که گردید آغاز

شیشه‌ی عطری سر بسته

افتاد و شکست

همگان بو بردند

(محمدرضا شفیعی کدکنی)

که چه چیزی را دادند از دست

فاجعه ملی برای صنعت کشور در راه است!



در پنجاهمین سال تاسیس گروه ماشین سازی تبریز، اخبار نگران کننده ای از این گروه صنعتی به گوش می رسد.

به گزارش روزنامه اطلاعات، ۸ تیرماه، کارخانه ماشین سازی تبریز در هفته های آینده به مالک جدید واگذار می شود. بر اساس تصمیم دولت آقای روحانی، شرکت ماشین سازی تبریز به سرمایه داران خصوصی "واگذار" خواهد شد، به سرمایه دارانی که دغدغه اصلی شان فقط و فقط سودآوری با هدف ثروت اندوزی است.

به گزارش خبرگزاری ایرنا، گروه ماشین سازی تبریز یکی از بزرگترین کارخانه های آذربایجان واقع در منطقه صنعتی قراملک است که انواع ماشین های صنعتی مانند: ماشین ابزار، کمپرسورهای صنعتی، پمپ های آب، الکتروموتور، لیفتراک، انواع موتورهای دیزلی، ماشین آلات نساجی، ماشین های تراش، ماشین های مته، قطعات ریخته و دستگاه های "سی.ان.سی" را تولید می کند. مدت زمانی است که این سرمایه بسیار پر ارزش ملی به بهانه "کوچک سازی دولت" و در جهت "واگذاری کردن" یعنی خصوصی سازی- قرار گرفته است.

ماشین سازی تبریز مجتمعی دربردارنده کارخانه هایی با محصولاتی در زمینه ماشین آلات و ریخته گری است که این محصولات را بخش مهمی از پایه های

صنایع مادر تولیدی و راهبردی اقتصاد ملی می‌توان دانست. مجموعه ماشین‌سازی تبریز با تاریخچه پنجاه سال کار در عرصه‌های مهندسی و تولیدی، کارنامه بی‌درخشان در صادرات محصولاتش به کشورهای آسیا، آفریقا و حتا اروپا داشته است. این مجتمع صنعتی، یکی از مرکزهای مهم پرورش و کسب مهارت نیروی انسانی کشورمان در طیفی گسترده از تخصص و تجربه‌های عملی در فناوری به‌شمار می‌آید.

واگذاری صنایع، به معنای شانه خالی کردن دولت از سرمایه‌گذاری و برنامه ریزی در طرح توسعه ملی به منظور حمایت، گسترش و پرورش صنایع کلیدی است. این شانه خالی کردن‌ها، بر الگوهای اقتصاد نولیبرالی بنا شده است و بر بوجود آوردن بسترهای لازم برای ثروت‌اندوزی سرمایه‌های خصوصی تنظیم می‌شود. تجربه جهانی و همینطور در کشورمان نشان داده است که، بدون برنامه‌ریزی مدون و سرمایه‌گذاری مستقیم و پشتیبانی دولت، ثروت‌های ملی مانند ماشین‌سازی تبریز در روند خصوصی‌سازی متلاشی می‌شوند. در کشور ما مقصود سرمایه‌داران سرمایه‌گذار در خصوصی‌سازی‌ها "تولید" ارزش‌افزا نیست، بلکه آنچه تاکنون رایج بوده است، کسب حداکثر سود در کوتاهترین زمان و به هر طریق ممکن بوده است. بنابراین، در وهله نخست، شرکت‌های "واگذار شده" - مانند ماشین‌سازی تبریز - در معرض خطر خارج کردن دارایی و اموال شرکت پس از خصوصی‌سازی شدن است. این ترفندی مرسوم برای تکه تکه کردن آن و به‌جراغ گذاشتن بخش‌های ارزشمند دارایی مجتمع، مانند املاک، ابزار کار، حقوق فکری آن است. آنچه در کارخانه ارج، چیت سازی تهران روی داده است

پس از "واگذاری" ماشین‌سازی تبریز، خطر دیگری که این شرکت، و بویژه اقتصاد ملی، را تهدید خواهد کرد اخراج نیروی کار انسانی با به‌کارگیری اتوماسیون بوسیله ماشین‌های خودکار (روبات‌های) وارداتی است. اقتصاد ملی ایران اقتصاد وارداتی‌ای است که دولت نقش برنامه‌ریزی خود را در سطح ملی آن تعطیل کرده است. از این‌روی، به کارگیری اتوماسیون در کشورمان بدون بوجود آوردن زنجیره‌یی نو از صنایع حمایتی به منظور ارزش‌افزایی‌ای جدید خواهد بود، یعنی فرایندی به تهی شدن اقتصاد ملی از درون منجر می‌شود. در این فرایند، شغل‌های موجود در ماشین‌سازی تبریز با ماشین‌های

خودکاری جایگزین می‌شوند که در خارج از کشور ساخته می‌شوند. بنابراین، به‌غیر از فعالیت‌های تجاری- مالی به‌منظور واردات ماشین‌های خودکار و نصب آن‌ها، عملاً هیچ‌گونه ارزش‌افزایی و کارآفرینی‌ای چشمگیر در ایران بوجود نخواهد آمد.

شگرد دیگری که زیر شعار "بهینه‌سازی" به‌قصد افزایش درجه سودآوری سرمایه‌های خصوصی به‌کار زده می‌شود، کم‌رنگ کردن تا حتی حذف اصول ایمنی در محیط کار است. برای نمونه، فاجعه‌های انسانی معدن زمستان پورت در آزادشهر و ساختمان پلاسکو، در چند ماه گذشته، به‌دلیل نقض آشکار یا همین حذف اصول ایمنی رخ دادند. هزینه‌های رعایت اصول ایمنی، از نگاه یک سرمایه‌دار، هزینه‌هایی‌اند که به‌منظور بالا بردن درجه سودآوری باید از آن‌ها را به‌هر طریق کاست.

فرایند پایین آوردن درآمد زحمتکشان شیوه دیگری است که از مدت‌ها پیش در شرکت ماشین‌سازی تبریز آغاز شده است. بنا به‌گزارش‌های خبرگزاری‌ها، در چهار ماه گذشته دستمزد و عیدی کارگران کارخانه کمپرسورسازی تبریز در مجتمع ماشین‌سازی تبریز پرداخت نشده است.

برنامه‌های اقتصادی دولت دوازدهم متلاشی شدن آن دسته از صنایع بنیادی‌ای را موجب خواهد شد که لازمه توسعه اقتصاد، پیشرفت جامعه و دفاع از حق حاکمیت ملی‌اند. فاجعه در انتظار شرکت ماشین‌سازی تبریز در سطح بسیار وسیع‌تری در انتظار مابقی صنایع تولیدی ماست.

تحریریه پیام سندیکا

دلایل بی توجهی کارگران به نکات ایمنی

عدم رعایت نکات ایمنی کار، توسط کارگران از جمله دستاویزهای مبتدلی است که هم کارفرمایان و هم قانون‌تأمین اجتماعی در توجیه افزایش روز افزون قربانیان محیط کار بدان متوسل می‌شوند و رندانه می‌کوشند با دادن آدرس غلط، جنایات خود را توجیه کنند.

انگشت نگاری و کارگران.....



موضوع انگشت نگاری و گواهی سو پیشینه برای کارگران پروژه ای موضوعی است که قابل نقد و بررسی بسیاری است که ضرورت طرح آن از سوی سندیکا های کارگری مطرح می باشد.

در ابتدایه موضوع سو پیشینه کیفی و جایگاه کارگر و کارفرما را نگاه کلی بیندازیم و سپس به قضاوت بنشینیم که چگونه شده است که در مسیر مناسبات غلط اجتماعی و حقوقی که بر مبنای دلالی و منپاوری حقوق کارگران به تاراج سرمایه داری می رود؛ بجای اینکه تبهکاریهای کارفرمایان و دلالان به نقد و چالش کشیده شود و بصورت جدی با آنان برخورد شود و مهمتر از همه اینها به مطالبات و حقوق کارگران رسیدگی شود از کارگران خواسته میشود که بعد از یک ماه کارکردن در کارگاه برای چاپ گیت پاس دایم مبادرت کنند. بر طبق دستوری که از طرف حراست کارگاه داده میشود بایستی کارگر دو یا سه روز کاری خود را بدون حقوق و دستمزد کارگری به دایره آگاهی رفته و برای انگشت نگاری اقدام نماید که علاوه بر بیکاری، در این چند روز بایستی مقداری پول هم از طریق حساب بانکی وارد حساب اداره انگشت نگاری بنماید. در پارس جنوبی عسلویه نیروها مجبور هستند، که بخاطر سو پیشینه به شهرستان خود بروند و این امر هزینه های جانبی بسیاری برای آنان دارد.

کرایه رفت و برگشت از پالایشگاه ستاره خلیج تا بندر عباس که مبلغی نزدیک به بیست هزار تومان خواهد بود و دو یا سه بار بایستی برویم و هزینه های جانبی آن که از جیب کارگر خرج میشود و بایستی از صبح زود تا ساعت دو بعدازظهر در شهر بماند، محاسبه نگردید و اینکه مرخصی گرفتن برای انگشت نگاری هم بدون حقوق و دستمزد می باشد. حتماً صف متقاضیان انگشت نگاری گاه آنقدر شلوغ است که بایستی برای فردا نوبت بگیریم تا بار دیگر در صف انتظار نماییم. حال پرسش اساسی اینجاست که اینهمه هزینه های گزاف که کارفرمایان و دستگاههای امنیتی بر دوش کارگران زحمتکش می گذارند در واقع چه چیزی را می خواهند ثابت بنمایند؟!

ایا کارگران قرار است جنایتی انجام بدهند که مورد انگشت نگاری باید واقع شوند؟ چرا این انگشت نگاری اگر واجب است به خرج خود کارفرما انجام نمی شود؟ یا چرا در این مراکز از پلیس ۱۱۰ دعوت نمی شود که حضور یافته کار خود را بکنند؟ اگر شرایط حقوقی و رفاهی کارگران سر جایش باشد و در قبال آن کارفرما احساس مسئولیت بنمایند که حرفی نیست و نخواهد بود؛ چرا که میگوییم پروژه ملی است و آنان چنین حقی دارند که نسبت به وضعیت هویتی کارگران احساس مسئولیت بنمایند.

هر چه هست، این کارگر است که باید تاوان این دستورات را بدهد. به گفته زنده یاد حسین پناهی: «انگشتانشان چنان با کار تمام وقت چنان ساییده شده که هیچگاه جرم آنان ثابت نخواهد گشت.»

وارتان خرمدين، عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران

ایمنی کار

«ایمنی کار فرایندی است که باید از حوادث در محیط کار به طور اعم و از حوادث منجر به خسارت جانی به طور اخص جلوگیری کند. داشتن لباس کار مناسب، کفش ایمنی، کلاه کار، عینک و گوشی های متناسب با محیط کار، کمر بند های ویژه ی کار در ارتفاع، از ابتدایی ترین اقداماتی است که می تواند از جان کارگران در مقابل حوادث کار محافظت نماید.»

حمایت از ربیعی با چه استدلالی صورت می گیرد؟؟

۱- جمعی از تشکل‌های صنفی کارگری استان آذربایجان غربی طی نامه به رئیس‌جمهور منتخب؛ خواستار ابقای علی ربیعی برای تصدی وزارت کار در دولت دوازدهم شدند.

۲- ایلنا: انجمن صنفی کارگری دریانوردان تجاری ایران در نامه‌ای به حسن روحانی از او خواستند تا همچنان از علی ربیعی به عنوان وزیرکار در کابینه خود استفاده کند.

۳- ایلنا: همایش سالیانه کانون عالی بازنشستگان و مستمری‌بگیران سازمان تامین اجتماعی با حضور مدیران سازمان تامین اجتماعی و روسای کانون‌های بازنشستگی از سراسر کشور در بندر انزلی اعلام شد: خدمات ارزنده‌ای به بازنشستگان در دوران ربیعی و نوربخش ارائه شد

۴- قاسمی فعال صنفی کارگری استان همدان اعلام کرد: جامعه کارگری از عملکرد وزیر کنونی تعاون، کار و رفاه اجتماعی راضی است. او در ارتباط با کارگران از خود صداقت و حسن نیتی را نشان داد که می‌تواند مسیر وزارت او در چهار سال دوم را هموارتر کند.

متأسفانه این آقایان از خدمات!!!! آقای ربیعی به کارگران هیچ نمونه ای را ذکر نمی کنند؟ چرا؟؟

از جمله خدمات آقای ربیعی به کارفرمایان و نه به کارگران می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- ایشان در جلسه تعیین دستمزد در سال گذشته به صراحت عنوان نمود که وکیل و نماینده کارفرمایان است و به همین دلیل دستمزد ۹۳۰ هزار تومان و نه بیشتر تعیین شد.

۲- از هنگام ورود ایشان به وزارت کار، ورود پلیس امنیت به اعتصابات کارگری به امری عادی تبدیل شد و کارگران اصفهانی، آق دره، بافق.... به شلاق محکوم شدند.

۳- بازرسی های دوره ای وزارت کار از موارد ایمنی کار در کارخانه ها و کارگاهها به کل متوقف شد.

۴- اصلاحیه قانون کار، طرح کارورزی، مقابله با سندیکاهای کارگری از جمله دیگر خدمات ایشان به کارفرمایان است.

۵- کتک خوردن کارگران شرکت واحد که برای حق مسکن خود به شورای شهر رفته بودند، از جمله چشم بستن های ایشان به مشکلات کارگران است.

۶- انتقال کارخانه هفت تپه به بخش خصوصی و چشم بستن بر روی عدم کارایی کارفرمای هفت تپه و ندادن حقوق کارگران و بدهکاریش به تامین اجتماعی از جمله خدمات ایشان به کارفرمایان است.

۷- عدم حمایت ایشان از خواسته های کارگران هفت تپه به عنوان وزیری که باید روابط کار و کارگر را تنظیم کند و کر شدن به موقع ایشان در این خصوص از نقاط قوت این وزیر بی عرضه در مقابل کارفرمایان و با لیاقت!!!! بودن در مقابل کارگران است.

۸- این وزیر چگونه با خدای خود راز و نیاز می کند هنگامی که کارگران ایران چهار برابر زیر خط فقر حقوق می گیرند؟؟ چگونه خود را لایق این مسند می بیند وقتی که کارگران در پروژه های نفتی ۴ تا ۶ ماه حقوقشان عقب می افتد و او لال مانی می گیرد؟

۹- این چگونه وزیری است که روسای اداره کارش در مناطق پارس جنوبی و دیگر جاها با کارفرمایان دست به یکی بر علیه کارگران شده اند؟؟

۱۰- ربیعی برای ماندن در کابینه به حمایت کارگران احتیاجی نداشته و نخواهد داشت. خدمات او به کارفرمایان و دولت که خود بزرگترین کارفرماست، بهترین دلیل برای ماندنش در این پست است. دیر نیست که صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی از خدماتش بر علیه کارگران تجلیل کنند و به او مدال بدهند.

تحریریه پیام سندیکا

نه به کارورزی نه به فروش نیروی کار ارزان

با کار-

آفریده شدم

ورزیده شدم ؛

کار ورزیدم ، برده شدم

کار ورزیدم ، رعیت شدم

کار ورزیدم ، کارگر شدم ؛

مهارت ها آموخته ام ، با کار

اینک

دو باره

چرا ؟

کار ورزی کنم

باز هم-

برای برده گی .

کارگر فلزکار عبدالله وطنخواه (فلزبان)

سندیکا چیست؟ و چه می گوید؟

سندیکاهای کارگری سازمانهایی علنی، دموکراتیک و غیرایدئولوژیک و طبقاتی هستند. می گویم طبقاتی یعنی جز کارگران آن واحد تولیدی و یا خدماتی کسانی دیگر حق عضویت در این سندیکاها را ندارند. دموکراتیک هستند، یعنی خرد جمعی بر این سازمان حاکم بوده و تمامی قدرت خود را از رای کارگران گرفته و به آنان پاسخگوست. غیرایدئولوژیک هستند، یعنی هر کارگر با هر بینش سیاسی، مذهبی می تواند عضو سندیکا شود. علنی است یعنی مبارزه ای برای براندازی حاکمیت سیاسی نمی کند و این به عهده حزب طبقه کارگر است. سندیکاها بدلیل فراگیر بودن می توانند بسیاری از کارگران را درخود متشکل کرده و دست به مبارزه اجتماعی و اقتصادی برای بهبود شرایط کار و زندگی خود بزنند. سندیکاها در هر کشوری، قوانین کشور خود را پایه ای برای تغییرات قرار داده و با این حداقل ها دست به مبارزه برای کسب خواسته های حداکثری خود می زنند.

سندیکاها علنی هستند، یعنی همه می توانند اعضای هیات مدیره و فعالین سندیکایی را درمحیط کار و زندگیشان ببینند. اینها درخطوط اتوبوسرانی تهران یا در مجتمع نیشکر هفت تپه و یا در کارگاههای تراشکاری و جوشکاری و ریخته گری و یا در کارخانه های ماشین سازی کار می کنند و به حل مشکلات همکارانشان کمک کرده و در حد توانایی اشان، حتا مشکلات خانوادگی و خصوصی کارگران را رفع می کنند. یعنی قابل دسترسی برای همه بخصوص همکارانشان هستند. وقتی ما علنی هستیم، مسلمان باید با قوانین جامعه مان زندگی کنیم و نمی توانیم آن را نادیده بگیریم.

مبارزات سندیکاهای کارگری علیه سرمایه داری انگل تجاری، واسطه بین صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی دقیقن در راستای تقویت مبارزات کارگران دنیا و جنبش کارگری جهانی است. ما و برادران و خواهران کارگران درآسیا، آفریقا، آمریکا، اروپا، و اقیانوسیه درد شلاق نسخه های این سازمانهای امپریالیستی را فراموش نکرده ایم. این سازمانها با ارایه سیاست درهای باز به غارت سرمایه زحمتکشان مکزیکی و برزیل دست زده و با بدهکار کردن این کشورها و شیوع ایدز در آفریقا و هندوستان با همدستی سرمایه داران خانن این کشورها ثروت ملی و سلامت زحمتکشان این کشورها را به یغما برده اند. دوستان غیرسندیکایی در مورد این غارت ها و دزدی های آشکارهیچ نمی گویند. طبقه کارگر برای حفظ ثروت ملی در حذف سرمایه دار انگل تجاری لانه کرده در دولت و سیاست، «سیاهی لشکر» هیچ طبقه ای نیست. امروز نسخه صندوق بین المللی پول یعنی هدفمند سازی یارانه ها و یا به دیگر سخن گرسنگی دادن به طبقه کارگر و غارت منابع ملی کشور در دست اجراست.

مرگ کسب و کار زحمتکشان شده است!

کارگران در حال مرگ اند. کسب و کارشان «تهیدستی»، «بی‌حقوقی»، «اخراج»، «تحقیر»، «بیگاری»، «ناایمن بودن» و «مرگ» است. نه «امنیت» مالی و شغلی دارند، نه امنیت جانی! کارگران، مردمان بی‌فردا و بی‌آرزوی این دیارند. همان «بدن‌های مازاد»ی که برای گرداندن چرخ دنده‌های سیستم سرمایه‌داری به صورت لشکری بی‌شمار و کم‌بها به سان برده باید قربانی شوند.

تیتز مرگ‌های «یک هفته‌ی اخیر» کارگران را ببینید:

* مرگ کارگر شهرداری چغادک در استان بوشهر به علت گرما

* مرگ ۱ کارگر و مصدومیت ۵ کارگر دیگر در حادثه‌ی آتش‌سوزی کارخانه‌ی کارتن‌سازی در منطقه‌ی خاوران

* مرگ ۱ کارگر جوان بر اثر ریزش محتویات یک چاه در یک مرکز بازپروری

* مرگ راننده‌ی خودرو سنگین در برخورد با کابل برق فشار قوی در بوکان

* مرگ ۴ کارگر چاه‌کن در تهران در اثر سقوط و خفگی (۱۶ تیر)

* مرگ کارگر ۵۱ ساله‌ی پروژه‌ی طرح اگو مشهد بر اثر برق گرفتگی (۱۹ تیر)

* مرگ ۳ کارگر ۲۳، ۳۹ و ۴۰ ساله‌ی کارخانه‌ی بشارت تبریز، در اثر گازگرفتگی (۲۱ تیر)

یکی از وظایف سندیکاهای کارگری، نظارت بر ایمنی کارگاه‌هاست

دلایل پیروزی حزب کارگر در انتخابات انگلیس

ورود جرمی کوربین به عرصه رقابت در به دست آوردن رهبری حزب کارگر بریتانیا در سال ۱۳۹۴، از همان ابتدا با تعجب شماری از تحلیل گران نا باور به نقش توده ها در تحولات سیاسی روبرو شد .

از همان ابتدا شخص کوربین و هوادارانش که عمدتاً در بدنه حزب و در اتحادیه‌های کارگری متمرکز بودند، با تهاجم همه‌جانبه اکثر رسانه‌ها روبرو شدند. به روشنی معلوم بود که تهاجم بسیار خصمانه رسانه‌های بریتانیا، به ویژه روزنامه‌های پرتیراژ دست راستی و همچنین شبکه رادیوتلویزیون دولتی این کشور، بی‌بی‌سی، با حرکت‌های تخریبی جناح راست حزب کارگر در درون این حزب هماهنگ شده‌اند. از همان اول هدف این بود که کوربین و به‌ویژه هوادارانش در میان اعضای حزب که هرروز هزاران نفر به جمع آنان افزوده می‌شد را به نفوذ نیروهای "چپ" به درون حزب نسبت دهند .

بدون اغراق می‌توان گفت که جرمی کوربین و همکارانش توانسته‌اند در طی دو سال گذشته سیاست و خط مشی مسلط در حزب کارگر بریتانیا را از سوسیال دموکراسی راستگرا به خط مشی مبتنی بر سیاست‌های مردمی و ضد نولیبرالیستی تغییر جهت دهند. مانیفست انتخاباتی حزب کارگر، که با استقبال بسیار زیاد مردم روبرو شده است، خواهان: انتقال مالکیت صنایع و خدمات پایه‌ای مانند برق، گاز، آب و ترابری از بخش خصوصی به بخش عمومی است. این مانیفست مطرح کرده است که مالیات بر درآمد ۵ در صد لایه‌های بالایی جمعیت کشور و نیز مالیات بر شرکت‌های غول‌پیکر را ۷ درصد افزایش خواهد داد تا از محل درآمد حاصل از آن بتواند بخش بهداشت ملی، آموزش و پرورش، خدمات اجتماعی و ساختارهای اقتصادی را به‌نفع مردم و زحمتکشان دگرگون کند. حزب کارگر خواهان پایه‌گذاری بانکی ملی برای سرمایه‌گذاری مستقیم در صنایع و کمک به شرکت‌های متوسط و کوچک است .

حزب کارگر در خلال کارزار انتخاباتی چند هفته گذشته موفق شده است چشم‌انداز سیاسی و اقتصادی کشور را به‌طور چشمگیری به سوی برنامه‌های چپ و مترقی دگرگون کند .

توجهبرانگیز آن‌که، بخش بزرگی از میلیون‌ها نفر شکل‌دهنده جنبش مردمی طرفداران جرمی کوربین در دو سال اخیر جوانان بوده‌اند. بر اساس آمارهای منتشر شده در انتخابات روز ۱۹ خرداد ۶۶ درصد جوانان انگلستان به حزب کارگر رای دادند. آمارها نشان می‌دهند که رأی جوانان به‌نفع برنامه‌های حزب کارگر عامل تعیین‌کننده در نتیجه این انتخابات بوده است. در انتخابات اخیر مردم بریتانیا و به‌ویژه نسل جوان با لمس کردن پیامدهای ویرانگرانه "ریاضت‌کشی اقتصادی" - آن شکل‌هایی از برنامه‌های اقتصادی‌ای که سودآوری سرمایه‌های بزرگ و منافع ثروتمندان را محور رشد قرار می‌دهند - "نه" ای بزرگ گفتند .

رهبری جدید حزب کارگر که بر محور حمایت از نقطه‌نظرهای کوربین شکل گرفته است، نشان داد که با برپایی حرکت‌هایی مؤثر در درون جنبش مردمی بریتانیا از طریق سازمان‌دهی فعالان سیاسی و اجتماعی و بسیج مردم با حمایت سندیکاهای کارگری - یعنی کار سیاسی و روشن‌گری در بین توده‌ها- می‌توان نیروهای راست و هواداران سیاست‌های نولیبرالی را به‌عقب‌نشینی‌هایی چشمگیر واداشت. تأمل‌برانگیز اینکه، طی ۲ سال گذشته، با وجود تبلیغاتی شدیداً منفی و غرض‌ورزانه از سوی اکثر رسانه‌ها نسبت به کوربین و سیاست‌های جدید حزب کارگر، به‌دلیل تلاش‌های فراوان به‌هدف برقراری تماس مستقیم با قشرهای گونه‌گون مردم و حضور در گردهمایی‌های متعدد بزرگ و کوچک، سرانجام مردم هرچه بیشتری با شخصیت صادق، مردم‌دوست و صمیمی کوربین آشنا شدند و گفتمان، پیام و برنامه‌های مردمی او در سطح جامعه به نیروی مادی‌ای مهم تبدیل شده است. در مقابل، دشمنان قسم‌خورده جرمی کوربین، کسانی مانند تونی بلر و مریدان او در رهبری پیشین حزب کارگر، در صحنه سیاست بریتانیا به حاشیه رانده شده‌اند.

پیام اصلی کوربین در دو سال اخیر این بوده است: سیستم سیاسی- اقتصادی بریتانیا به‌نفع ثروتمندان و زیان اکثریت مردم "مهندسی" شده است و برنامه حزب کارگر در رهبری او، برای اکثریت مردم تدوین شده است و نه برای عده‌ی قلیل. این پیام در شش هفته کارزار انتخاباتی در سطح جامعه پژواک بسیاری داشت. به‌ویژه اینکه کوربین بر این واقعیت انگشت گذاشت که، الگوی "اقتصاد آزاد" (اقتصاد بی‌نظارت) جز وسیله‌ی برای ثروتمندتر شدن

لایه‌های فوقانی جامعه به‌بهای افت سطح زندگی اکثریت جامعه، چیز دیگری نیست.

رهبری جدید حزب کارگر این شهامت را داشته است که خطمشی و نظرهایش پیرامون مسائل سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و معیشتی را از منظر منافع طبقاتی و به‌صورتی ساده، بدون تئوری‌پردازی و با زبان مردم با مردم در میان بگذارد. موفقیت کوربین این بود که در کارزار انتخاباتی‌ای که همه رسانه‌ها بر ضد او بسیج شده بوده‌اند، توانست نشان دهد که ادامه برنامه‌های اقتصاد نولیبرالی فقرزایی و ازهم گسستن هرچه بیشتر تاروپود روابط اجتماعی را موجب می‌شوند. رهبری حزب کارگر در این انتخابات توانست به مردم نشان دهد که در راستای گسترش حیطة عملکرد "بازار بی‌نظارت"، دولت دست‌راستی ترزا می، مبانی دموکراتیک کشور را متزلزل خواهد کرد.

این نخستین باری است که ایدئولوژی نولیبرالیسم اقتصادی و تسلط سرمایه‌های بزرگ این‌چنین قدرتمندانه به‌وسیله رهبر یک حزب مطرح و پرنفوذ زیر سؤال برده شده است! بدین لحاظ بزرگترین گناه نابخشودنی کوربین و هوادارانش در نظر سرمایه‌داری پر قدرت بریتانیا و اروپا این است که در سطح جامعه بریتانیا و همین‌طور در عرصه جهانی توانسته‌اند این توهم را در هم بشکنند که نولیبرالیسم اقتصادی و چارچوب لیبرال‌دموکرات ابدی نیستند!

این درحالی‌است که تجربه جهانی نشان داده است که نولیبرالیسم اقتصادی، شدت گرفتن بی‌عدالتی، بی‌کاری ساختاری، افزایش فساد اقتصادی، بی‌ثباتی مشاغل و رشد ناموزون اقتصاد به‌نفع ثروتمندان (یک درصدی‌ها) و از بین رفتن خدمات اجتماعی را باعث می‌شود. تجربه بریتانیا در ۴ دهه گذشته نشان می‌دهد که مبارزه با نولیبرالیسم و هواداران آن با مبارزه برای دموکراسی و عدالت‌خواهی، در پیوندی ارگانیک با یکدیگر قرار دارند.

بخش آموزش سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران



Iranian Labour News Agency

مصاحبه ایلنا با یک فعال صنفی کارگران فلزکار:

سرمایه‌های پرارزش ملی را واگذار نکنید خصوصی‌سازی‌ها کارگران را زمین می‌زند

یک فعال صنفی کارگران فلزکار با انتقاد از تلاش برای خصوصی‌سازی کارخانه ماشین‌سازی تبریز گفت: واگذار کردن، در اکثر موارد به ضرر کارگران تمام می‌شود.

مازیار گیلانی‌نژاد (عضو سندیکای کارگران فلزکار مکانیک ایران) در گفتگو با خبرنگار ایلنا اظهار داشت: ماه گذشته خبر نگران‌کننده‌ای در خصوص واگذاری مالکیت و مدیریت کارخانه ماشین‌سازی تبریز منتشر شد. اشاره این فعال کارگری به گزارشی است که در تاریخ ۸ تیرماه در روزنامه اطلاعات منتشر شد که در آن آمده بود کارخانه ماشین‌سازی تبریز در هفته‌های آینده به مالک جدید واگذار می‌شود.

وی با بیان اینکه به بهانه کوچک‌سازی دولت می‌خواهند کارخانه را به بخش خصوصی منتقل کنند، گفت: در اکثر موارد بخش خصوصی فقط به سودجویی و سودخواهی می‌اندیشد و این تفکر نه فقط کارگران، که تولید و کارخانه را هم زمین می‌زند. مدت زمانی است که این سرمایه بسیار پرارزش ملی به بهانه

"کوچک‌سازی دولت" در معرض "واگذار کردن" - یعنی خصوصی‌سازی - قرار گرفته است. واگذاری صنایع، به معنای شانه خالی کردن دولت از سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در طرح توسعه ملی به منظور حمایت، گسترش و پرورش صنایع کلیدی است. این شانه خالی کردن‌ها، بر الگوهای اقتصاد نولیبرالی بنا شده است و بر به وجود آوردن بسترهای لازم برای ثروت اندوزی سرمایه‌های خصوصی تنظیم می‌شود.

وی تصریح کرد: تجربه جهانی و همین‌طور در کشورمان نشان داده است که بدون برنامه‌ریزی مدون و سرمایه‌گذاری مستقیم و پشتیبانی دولت، ثروت‌های ملی مانند ماشین‌سازی تبریز در روند خصوصی‌سازی متلاشی می‌شوند. در وهله نخست، شرکت‌های "واگذار شده" - مانند ماشین‌سازی تبریز - در معرض خطر خارج کردن دارایی‌ها و اموال شرکت پس از خصوصی شدن هستند. این ترفندی مرسوم برای تکه تکه کردن واحد تولیدی و به حراج گذاشتن بخش‌های ارزشمند دارایی مجتمع، مانند املاک، ابزار کار و حقوق فکری آن است. آنچه در کارخانه ارج و چیت سازی تهران روی داده است.

وی با بیان اینکه اقتصاد ملی ایران اقتصاد وارداتی‌ای است که دولت نقش برنامه‌ریزی خود را در سطح ملی آن تعطیل کرده است؛ اظهار داشت: در این فرایند خصوصی‌سازی، شغل‌های موجود در ماشین‌سازی تبریز با ماشین‌های خودکاری جایگزین می‌شوند که در خارج از کشور ساخته می‌شوند. بنابراین، به غیر از فعالیت‌های تجاری - مالی به‌منظور واردات ماشین‌های خودکار و نصب آن‌ها، عملاً هیچ‌گونه ارزش‌افزایی و کارآفرینی چشمگیری در این واگذاری به وجود نخواهد آمد.

گیلانی‌نژاد در پایان گفت: شگرد دیگری که زیر شعار "بهبودسازی" به قصد افزایش درجه سودآوری سرمایه‌های خصوصی به‌کار زده می‌شود، کم‌رنگ کردن تا حتی حذف اصول ایمنی در محیط کار است. برای نمونه، فاجعه‌های انسانی معدن زمستان یورت در آزادشهر و ساختمان پلاسکو، در چند ماه گذشته، به دلیل نقض آشکار یا همین حذف اصول ایمنی رخ دادند. هزینه‌های رعایت اصول ایمنی، از نگاه یک سرمایه‌دار، هزینه‌هایی هستند که به‌منظور بالا بردن درجه سودآوری باید آن‌ها را به هر طریق کاست.

نظام سرمایه داری و لایه های آن

سرمایه داری از لایه های مختلفی تشکیل شده است:

۱- سرمایه داری دلال وابسته به امپریالیسم که به کمپردادور معرف است. این سرمایه داری با غارت ثروت کشور درصدد وابسته کردن کشور به امپریالیسم است. امروز سیاست های نئولیبرالیسم که صندوق جهانی و سازمان تجارت جهانیان را رهبری و دیکته می کند. از زمان ریاست جمهوری رفسنجانی این پدیده هر روز قدرت می گیرد. نمایندگان این سرمایه داری فعلن در مراکز نظامی و دولت جا گرفته اند.

۲- سرمایه داری تجاری که در بازار ریشه دارند و با سرمایه داری دلال به دلیل اینکه دور را از دستشان در آورده است مخالفند. اینان دوست دارند که به جای سرمایه داری دلال هم با امپریالیسم نردعشق ببازند و هم در سیاست و دولت، دست بالا را پیدا کنند. این افراد در دولت و تحت نام تکنوکرات ها فعال هستند.

۳- سرمایه داری مالی که در بانکها حضور دارند و به نوعی هم وابسته به مراکز نظامی اند و سرمایه داری دلال هستند و هم در کنار سرمایه داری تجاری سیاستی دوگانه را پیش می برند. این سرمایه داری در دولت حضور کمی دارد اما عمده هر دو جناح اصول گرا و اصلاح طلب را نماینده گی کرده و در ورشکستگی اقتصاد با سرمایه تجاری و سرمایه داری دلال همداستان هستند.

این سه لایه سرمایه داری، وطن ندارند و به سهولت می توانند ثروت کشور را به بانکهای خارجی حواله کرده چمدان هایشان را بسته به خارج بروند.

۴- سرمایه داری صنعتی ثروتش در روی زمین است و با این سه لایه همیشه در مبارزه. چرا که برای سودآوری باید پول از بانکها بگیرد و بانکها به

عوض وام به سرمایه دار صنعتی راغب اند با تجار و دلال ها معامله کند چون اصل و سود سرمایه اش به سرعت به جیبش برمی گردد. در حالی که سود سرمایه گذاری در صنعت برگشتش حداقل یکسال است. سرمایه داری صنعتی با سرمایه داری تجاری به دلیل وارد کردن محصولات تولیدیش مخالف بوده و مبارزه ای همیشگی را دارد. سرمایه داری صنعتی با سرمایه داری دلال به دلیل اینکه نقش او را تضعیف می کند و راه را برای سرمایه گذاری خارجی باز می کند مخالف و همیشه در حال مبارزه با این سرمایه داری وابسته است. سرمایه داری صنعتی نمی تواند سرمایه اش را بردارد و برود. کارخانه او روی زمین است و فقط ۲۰ درصد سرمایه اش بصورت مالی را در اختیار دارد.

سرمایه داری صنعتی به دلیل مخالفت هایی که با ۳ لایه دیگر دارد و به دنبال نقش برتر در سیاست و اقتصاد است، مخالف ورود سرمایه دار خارجی و تجاری و مالی است به سرمایه داری ملی معروف است

این سرمایه داری ملی به لحاظ سیاسی در جبهه ملی، نهضت آزادی و امروز در میان ملی مذهبی ها فعال است. پایگاه اجتماعی آنها امروز بخشی از مذهبی ها از جبهه ملی گرفته تا دکتر پیمان، دستداران دکتر شریعتی و دکتر سبحانی را در بر می گیرد.

سرمایه داری کوچک که پایگاهش در میان طبقه متوسط است نیز بخش بزرگی از سرمایه داری ملی را پوشش می دهد. خصلت این سرمایه داری کوچک مخالفت با هر سه بخش سرمایه داری وابسته، تجاری، مالی بوده و گرایش به اقتصادی درون گرا و صنعتی و مستقل دارد. اینان خواستار آزادی های سیاسی و تقسیم قدرت بوده و در میان زحمتکشان نیز پایگاه دارند.

مغازه داران، شرکت های کوچک خدماتی، پیمانکاران کوچک، کارگاههای کمتر از ۱۰۰ نفر را دارا هستند و در سیاست به جنبش سبز گرایش دارند. البته همه موارد گفته شده مطلق نیستند.

تبریزی ها تحسین برانگیزند!

مردم تبریز را باید ستود و تحسین کرد، بی هیچ تردیدی. آنها از همگراترین مردمان ایران هستند و رشد همه جانبه این شهر در زمینه های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی رهین همین همبستگی و دوراندیشی مردمانش هست.

زمانی آنها تصمیم گرفتند دیگر به هیچ گدایی پول ندهند تا شهرشان اولین کلانشهر بی گدای ایران باشد؛ به جایش مؤسسات خیریه مردمی تشکیل دادند که نیازهای فقرای واقعی را برآورده سازند. نکته اینجاست که اگر تنها تعدادی از مردم، یا این عزم گروهی همراهی نمی کردند، عنوان شهر بدون متکدی، به تبریز نمی رسید.

زمانی دیگر که مهاجران غیر قانونی افغان به شهرهای مختلف ایران روانه شدند و بسیاری از کارفرمایان با قیمت های ارزان آنها را به کار گرفتند، تبریزی ها تصمیم گرفتند فرصت های شغلی شهرشان را برای فرزندان خود نگه دارند و به همین خاطر از خیر کارگران ارزان و بدون بیمه افغان گذشتند؛ بدین ترتیب، تبریز تنها شهر صنعتی ایران شد که هیچ کارگر افغانی در آن کار نمی کند.

سال ها پیش، اتوبوسرانی تبریز، چند ریال بر قیمت بلیت افزود و تبریزی ها که این افزایش را غیرمنصفانه می دانستند، تصمیم گرفتند که تا برگشت قیمت ها به وضعیت قبلی سوار اتوبوس نشوند و در نهایت هم همان شد که مردم می خواستند.

در دوران اصلاحات نیز وقتی مدیریت ارشد استان، شرکتی عمومی برای بهسازی شهر تشکیل داد، مردم تبریز یا سرمایه های خرد و کلان شان در آن مشارکت کردند و در اندک سالی، چهره شهرشان را دگرگون کردند.

این روزها نیز از بازار تبریز خبری می رسد که می تواند برای همه ما مردم ایران الگوی عملی باشد. بسیاری از بازاریان تبریز تصمیم گرفته اند دیگر منتظر تصمیمات و اقدامات مسؤلان برای مبارزه با قاچاق کفش نباشند و

خودشان کاری کنند کارستان. آنها تابلوهایی پشت ویتترین مغازه هایشان زده اند که رویش نوشته است فقط کفش ایرانی می فروشیم.

بدین ترتیب، کفش های بی کیفیت چینی که در سایه بی عملی مسؤلان، خود را بازار تحمیل کرده و باعث بیکاری بسیاری از کارگران و ورشکستگی تولیدکنندگان شده بوده بودند، بعد از سال ها، ناگزیر از عقب نشینی شده اند و رونق، بار دیگر به این صنعت پر قدمت تبریز بازگشته است. امروز کفش تبریز که جزو برندهای معتبر کفش در ایران است، جان دوباره ای گرفته است. مردم تبریز هم، همانند همیشه تاریخ شان در این باره نیز همگرا شده اند و دیگر کفش های چینی نمی خرند.

این الگو، اگر درباره کالاهای باکیفیت دیگر ایرانی و نیز در شهرهای دیگر کشور تکرار شود، آنگاه می توان گفت که مردم ایران، بدون نیاز به مصوبات مجلس و هیات دولت و نظام بروکراتیک اداری و همایش های آنچنانی و وعده و وعیدهای توخالی و بودجه های کلان و ... توانسته اند از خود و فرزندان خود در قبال کالاهای قاچاق حمایت کنند و رونق اقتصادی را به دست خودشان رقم بزنند.

تبریز را بعنوان "شهر اولین ها" می شناسیم و اینک بار دیگر این شهر، اولین شهری شده است که مردمش برای نجات اقتصادی دست به انتخاب زده اند.

قتل انواع گوناگون دارد :

می شود با چاقو شکم کسی را پاره کرد، یا نانش را برید یا بیماریش را علاج نکرد. می توان کسی را در دخمه ای جا داد و یا تا حد مرگ به کار کشید . ممکن است کسانی را هم به خودکشی مجبور کنند یابه جنگ بفرستند و از این قبیل. فقط بعضی از این نوع قتل ها در کشور ما ممنوع است.

برتولت برشت نویسنده مردمی آلمانی

استونی کشور تمام اینترنتی!

شاید اسم کشور استونی را نشنیده باشید و یا اصلاً به آن فکر نکرده باشید. اما استونی «آینده جهان» است! چرا که اولین کشور تماماً دیجیتال دنیاست. ممکن است بپرسید کشور تمام دیجیتال یعنی چه؟ آن را در هفت تصویر توضیح می‌دهم:

۱- به هر شهروند استونی در لحظه تولد یک کد دیجیتال ۱۱ رقمی می‌دهند که تا پس از مرگ با وی همراه است؛ این کد جایگزین کارت ملی، شناسنامه، کارت بانکی و دفترچه بیمه است. مقایسه کنید با ما که هر اداره ای که می‌رویم هم کارت ملی باید همراهمان باشد هم شناسنامه به همراه سایر مدارک! البته کیی از پشت و رو فراموش نشود!

۲- با ورود به پایتخت استونی با پدیده ای عجیب روبرو می‌شوید: اینترنت بی‌سیم مجانی در سراسر شهر برای همه. در سال ۲۰۰۰ استونی اولین کشور جهان بود که دسترسی به اینترنت را مثل دسترسی به غذا و سرپناه جزو حقوق اولیه انسان‌ها قلمداد کرد. در این کشور اینترنت مانند آب و غذا و سرپناه اهمیت دارد. جالب است بدانید این کشور در سال ۱۹۹۱ مستقل شد و در آن زمان فقط نیمی از مردم تلفن داشتند آن هم با دسترسی محدود!

۳- امضای دیجیتال به اندازه امضای روی کاغذ ارزش دارد. پُرکردن فرم‌های مالیاتی، بازکردن حساب بانکی، دریافت وام، یا حتی تاسیس شرکت کاملاً غیرحضورى و مبتنى بر هویت دیجیتال و با امضای الکترونیک است.

مدیر شرکت سرمایه‌گذاری فاندربیم می‌گوید: من شرکت‌م را ۲۰ دقیقه‌ای تاسیس کردم! اصلاً از خانه بیرون نرفتم! ما تا حالا کارمندان اداره مالیات را ندیده‌ایم. همه چیز اینجا آنلاین است.

۴- استونیایی‌ها اولین ملت دنیا بودند که در سال ۲۰۰۵ در انتخابات آنلاین شرکت کردند. وقتی خبرنگاری از رئیس‌جمهور سابق استونی پرسید در انتخابات کجا رأی خواهد داد، با تعجب گفت: در خانه، پای کامپیوتر! به کمک همان کد ۱۱ رقمی. تقلب در این سیستم امکان ندارد. مقایسه کنید با ما که در

همین انتخابات اخیر بیش از چهار ساعت پای صندوق ماندیم و چندین میلیون از رای دادن باز ماندند.

۵- همه چیز به کد یازده رقمی وصل است. بنابراین خیلی از کارها ساده می شود: مثلاً پر کردن فرم آنلاین مالیاتی در استونی ساده‌تر از چیزی است که فکر می‌کنید و فقط چند دقیقه طول می‌کشد. بعد از وارد کردن کد دیجیتالی و رمزتان وارد صفحه‌ای می‌شوید که اطلاعات مالی‌تان در سال گذشته به صورت خودکار جمع آوری شده و فقط شما آن‌ها را کنترل می‌کنید و تغییرات لازم را انجام می‌دهید و دکمه «بفرست» را می‌زنید. تمام! مشهور است که نخست‌وزیر سابق استونی اوراق مالیاتی‌اش را در فرودگاه در لپ تاپش پُر کرد.

۶) استونی اولین کشوری است که شهروندی الکترونیک را به مردم خارج از کشور ارائه داد. با ایده کشور بدون مرز حتی شهروندان دیگر کشورها نیز می‌توانند برای اقامت الکترونیک اقدام کنند. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان نیز از جمله کسانی است که دارای این شهروندی است.

دکتر مجتبی لشکر بلوکی

« کارگران سندیکایی می‌دانند که بدون مبارزه همدوش با زنان برای رفع هرگونه نابرابری موفق نخواهند بود. زنان مبارز ایران به‌درستی می‌دانند که برای محو خشونت علیه زنان و ریشه‌های آن، آگاهی‌رسانی به مردان و زنان، بخصوص زنان کارگر، کارمند و زنان سرپرست خانوار- در گام نخست سازمان‌دهی مبارزه‌ای متحد علیه برنامه‌هایی که هرچه بیشتر خشونت دولتی را در عرصه کار رواج می‌دهند اولین گام برای موفقیت در بهبود وضعیت معیشت خانواده است.

گام دوم رواج عنصر آگاهی در جامعه با هدف زدودن انواع خشونت‌ها، از جمله خشونت ضد زنان، در میهن خشونت‌زده ما است. این امر با مبارزه در راه بهبود وضعیت اقتصادی خانواده‌های کارگری و کارمندی پیوندی مستقیم دارد.»

طنزها و خاطرات کازیم عاشقی کارگر فلزکار

روزی یک نفر در روستا پسرش با پسر ممد قاغا دوست بوده. پدر دوسته میاد در خانه ممد در و میزنه. خود ممد میاد دم در. میگه بیا تو چرا بیرون ایستادی؟ بیا. چای حاضره . ایشان گفته بود: نه ممد قاغا نوش جان. خواهشن به پسرت بگو با پسر من نگرده، پسر من بجایی اسم نویسی کرده شاید بیایند تحقیق، بد می شه. ممد قاغا گفته بود چشم. حتما میگویم با پسر تو نگرده.

یک روز همان مرد میاد در خانه ممد میگه: مش ممد عمی اوغلی بی زحمت اون الاغ را با گاریش بده برم از صحرا علف بیاورم. ممد قاغا گفته بود: شرمنده الاغ ما بجایی اسم نویسی کرده، شاید بیایند تحقیق بد می شه. بزار ببینیم چه می شه بعد.

یه بنده خدایی تعریف می کرد بچه که بودم، رفتم مسجد، سر نمازم با صدای بلند دعا کردم "خدایا یه دوچرخه به من بده" ریش سفید محل شنید، گفت: بچه جان، خدا که کارش دوچرخه دادن نیست، کار خدا لطف به بندگانسه، خصوصا بخشش گناهشون، نه دوچرخه دادن. صبح روز بعد رفتم یه دوچرخه دزدیدم و تو مسجد سر نمازم دعا کردم که خدایا منو بابت تمام گناهانم ببخش. ریش سفید شنید و گفت: آفرین پسر، حالا شدی مسلمان خوب و خداپرست. از آن روز دیگه من راهمو پیدا کردم. الان هم یه گوشه مملکت دارم خدمت می‌کنم، اول اختلاس میکنم و بعد نماز و نذری و توبه....

دوستم پیمانکار بود قبل از ایزوگام بامها را قیرگونی کرده، بعد آسفالت می کردند.

رفیقم میگفت : پشت بام یک نفر را کار میکردیم .من نگاه کردم، گفتم ۸ تن آسفالت بیاورند . وقتی همه جا را کار کردیم . چند فرگون اضافه ماند . گفتم حاجی آغا جایی را نشان بدهید ، تا سرد نشده این مقدار را هم به آنجا بریزیم.

گفت: جایی نیست.

گفتم : اینها را که نمی شود برگرداند.

گفت: باشه در پشت بام یک دست انداز بساز !!!!

منظورش سرعت گیر بود .



اوسمان یوموروغی : من خودم ناراحت نیستم که چند ساله تشنه ام . فقط کبوترانی که بمن پناه می آوردند لانه هایشان خالی مانده . دیگر صدای موج ها و کبوتران نمیداد . یکی بود یکی نبود . اینجا یک دریاچه بود !!!!!!!!!!!

کوچک مرد بزرگ



ساعت حدود شش صبح در فرودگاه به همراه دو نفر از دوستانم منتظر اعلام پرواز بودیم. پسرکی حدوداً هفت ساله جلو آمد و گفت: واکس می‌خواهی؟

کفشم واکس نیاز نداشت، اما از روی دلسوزی گفتم: «بله»

به چابکی یک جفت دمپایی جلوی پاهایم گذاشت و کفش‌ها را درآورد. به دقت گردگیری کرد، قوطی واکسش را با دقت باز کرد، بندهای کفش را درآورد تا کثیف نشود و آرام آرام شروع کرد کفش را به واکس آغوشتن. وقتی کفش‌ها را حسابی واکسی کرد، با برس مویی شروع کرد به پرداخت کردن واکس. کفش‌ها برق افتاد. در آخر هم با یک پارچه، حسابی کفش را صیقلی کرد. گفت: «مطمئن باش که نه جورابت و نه شلوارت واکسی نمی‌شود»

در مدتی که کار می‌کرد با خودم فکر می‌کردم که این بچه با این سن، در این ساعت صبح چقدر تلاش می‌کند! کارش که تمام شد، کفش‌ها را بند کرد و جلوی پای من گذاشت. کفش‌ها را پوشیدم و بندها را بستم. او هم وسایلش را جمع کرد و مؤدب ایستاد. گفتم: «چقدر تقدیم کنم؟»

گفت: «امروز تو اولین مشتری من هستی، هر چه بدهی، خدا برکت»

گفتم: «بگو چقدر؟»

گفت: «تا حالا هیچ وقت به مشتری اول قیمت نگفتم»

گفتم: «هر چه بدهم قبول است؟»

گفت: «یا علی»

با خودم فکر کردم که او را امتحان کنم. از جیبم یک پانصد تومانی درآوردم و به او دادم. شک نداشتم که با دیدن پانصد تومانی اعتراض خواهد کرد و من با این حرکت به او درسی خواهم داد که دیگر نگوید هر چه دادی قبول. در کمال تعجب پول را گرفت و به پیشانی‌اش زد و توی جیبش گذاشت، تشکر کرد و کیفش را برداشت که برود. سریع اسکناسی ده هزار تومانی از جیب درآوردم که به او بدهم. گردن افراشته‌اش را به سمت بالا برگرداند و نگاهی به من انداخت و گفت: «من گفتم هر چه دادی قبول»

گفتم: «بله می‌دانم، می‌خواستم امتحانت کنم!»

نگاهی بزرگوارانه به من انداخت، زیر سنگینی نگاه نافذش له شدم. گفتم: «تو؟ تو می‌خواهی مرا امتحان کنی؟»

واژه «تو» را چنان محکم بکار برد که از درون خرد شدم. رویش را برگرداند و رفت. هر چه اصرار کردم قبول نکرد که بیشتر بگیرد. بالاخره با وساطت دوستانم و با تقاضای آنان قبول کرد اما با اکراه.

وقتی که می‌رفت از پشت سر شبیه مردی بود با قامتی افراشته، دستانی ورزیده، شانه‌هایی فراخ، گام‌هایی استوار و اراده‌ای مستحکم. مردی که معنای سخاوت و بزرگواری را در عمل به من می‌آموخت!

پرویز پرستویی بازیگر

کودتای ۲۸ مرداد و پیامدهای آن برای طبقه کارگر

کودتای ۲۸ مرداد توسط پلیدترین دشمنان ایران و پست ترین و شریرترین عوامل داخلی اش صورت گرفت و پیامدهای بسیار سنگین برای طبقه کارگر پدید آورد و بخشی از دستاورد های این زحمتکشان که همانا آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بود، پایمال گردید.

پس از ۲۸ مرداد بسیاری از مواد قانون کار از جمله ۸ ساعت کار، تعطیلی روز جمعه، اخراج ها و از همه مهمتر داشتن سندیکا نادیده انگاشته شد و کشتار کارگران آغاز گردید. حسن، کارگر حلبی ساز در زندان زیر شکنجه کشته شد، محمد کریمی دهقان زاده ای از روستای گلدسته و رامین و نماینده کارگران در فستیوال صلح در جریان شکنجه و زیر ضربات باتون مشاعرش را از دست داد. قازاریان کوشنده کارگری در لاله زار مورد هدف گلوله قرار گرفت. آودیس مسروپیان کارگر قناد با مسلسل درو شد. آرماییس از فعالان کارگری اصفهان توسط داشناک ها ترور شد. ملانصراله تحریری دهقان مبارز گرمساری بوسیله مرتجعین ربوده، آب جوش روی بدنش ریختند و او را بطرز دلخراشی کشتند. وارطان سالاخانیان کارگر کفاش تکه تکه شد، ولی سخنی نگفت. ابوالفضل فرهی از بنیان گذاران اتحادیه قالببافان خراسان در سالهای ۱۳۰۹ و از فعالین اتحادیه کارگران شرکت نفت در زیر شکنجه کشته شد. اما هیچ خبری به اندازه دستگیری هیات دبیران شورای متحده مرکزی زحمتکشان تهران، رژیم کودتا را خوشحال نکرد. این هیات دبیران که توانسته بود تا زمان دستگیری ۱۳۳۳/۱۱/۱۷ اعتصاب بزرگ کارگران کفاش تهران را سازماندهی کرده و تجمعات موضعی را علیه رژیم کودتا، برای شکستن روحیه ضعف و شکست برپا کرده و سازمان گسترده ای برای حمایت و کمک به خانواده های زندانی سیاسی ایجاد کند، رژیم را به وحشت انداخته بود. رفتاری که در زندان با این کارگران شد گویای عمق وحشت رژیم ضد کارگری شاه بود. دست خسروعیوضیان بهترین کفاش زنانه دوز و دبیر

اتحادیه کارگران کفاش را لای گیره گذاشته شکستند، اباذبرنگی عضو کمیته اعتصاب کارگران کفاش را چنان شکنجه کردند که کلیه هایش از کار افتاد، رحمت اله جزئی را چنان با شلاق زدند که تا ماهها به پشت نمی توانست بخوابد. جراحات هایش را مداوا نمی کردند تا باعث چرک شده، خارش و عذاب بیشتری نصیبش شود. بهرام یعقوب زاده پارچه فروش دوره گرد و از مسوولین شورای متحده را بدلیل مقاومتش در زیر شکنجه و بخصوص کلیمی بودنش، عذاب فراوانی دادند و با گذاشتن سیخ داغ بین دو رانش، فداکاریش در راه طبقه کارگر را ستودند. محبوب عظیمی کارگر آهنگر و دبیر شورای متحده تهران را چنان شکنجه کردند که تا پایان عمر اثراتش باقی بود. **اما سرمستی رژیم ضدکارگری شاه دیری نپایید. رود خروشان و زاینده زحمتکشان را هیچ سدی نمی توانست از حرکت باز ایستاند.** طبقه کارگر با بازسازی خود از اوایل سال ۱۳۳۴ سندیکاهای خود را ایجاد کرده و در پی دستیابی حقوق از دست رفته آستین ها را بالا زد. نه تنها آب رفته را به جوی باز گرداند بلکه دستاوردهای برادران تکه تکه شده و زیر شکنجه های حیوانی له شده اش را گسترده تر کرد. بیمه های اجتماعی را همگانی کردند، حق عایله مندی را نه تنها برای زحمتکشان، که برای همه مزدبگیران کسب کردند. رسمی شدن کارگران به امری عادی بدل شد، دست لباس کار و کفش، تعطیلات تابستانی، استراحتگاه محمودآباد، کم‌دلباس، سالن غذاخوری، سرویس رفت و آمد، مهدکودک، شیرخوارگاه، ۲ ماه مرخصی با حقوق برای زنان باردار، حتی شیر و صابون را نیز به دیگر حقوق زحمتکشان و مزدبگیران افزودند، تا شامل آموزگاران و حتا نظامیان نیز شود. تلاش برای گسترده تر شدن بیمه برای همه صنوف و از همه مهمتر قانونی کردن حق اعتصاب در ماده مکرر ۳۳ قانون کار شاه از شاهکارهای طبقه کارگر بود. طبقه کارگر برای سیاست گذاری از پیشکسوتان خود راهی جز تعمیق و گسترده تر کردن این حقوق ندارد. طبقه کارگر مبارزه می کند تا حقوقی را که بدست می آورد شامل تمام زحمتکشان شود.

مازیار گیلانی نژاد

مهناز میرزایی کارگر معدن



کار در معدن یکی از سخت‌ترین کارهای جهان شناخته شده است بطوریکه بسیاری حاضر نیستند وارد این میدان شوند، اما یک زن معدن کار کرمانی در اعماق تاریک معدن زغال سنگ کار می کند.

«روز اول که برای دیدن کار به اینجا آمدم همه کارگران و مسولانی که اینجا بودند از دیدن من شاخ درآوردند، برایشان عجیب بود که یک زن برای کار به اینجا آمده است، کسی که قرار بود قسمت‌های مختلف معدن را به من نشان دهد گفت باید داخل تونل‌ها را هم ببینی، من گفتم مشکلی ندارم، وقتی وارد شدیم من را به سخت‌ترین نقاط تونل برد، یعنی حتی در جاهایی مجبور بودیم سینه خیز جلو برویم، شاید تصور می‌کرد با نشان دادن سختی‌های کار من منصرف می‌شوم، ولی وقتی از تونل بیرون آمدم و نظرم را پرسید من گفتم برای شروع کار آماده‌ام. آن زمان این معدن مهندس معدن و زمین‌شناس نداشت به همین دلیل فشار کار من خیلی زیاد بود و بیشتر کارها برعهده خودم بود، یعنی هرروز مجبور بودم داخل تونل‌ها بروم و از کارگاه‌های استخراج دیدن کنم.»

حضورم در این حرفه کاملا اختیاری بود

میرزایی در خصوص اینکه آیا حضورش در این حرفه اجبار بازار کار بوده یا علاقه، این‌گونه گفت که: «من از ابتدا هدفمند انتخاب رشته کردم و در

نهایت در دانشگاه شهید باهنر کرمان قبول شدم و ورودم به این کار نیز کاملاً اختیاری بوده و شخصاً فرم کاریابی در خصوص کار در این معدن را پر کردم، از ابتدا با سختی‌های کار آشنا بودم و وقتی در محیط نیز قرار گرفتم عملاً با موانع و مشکلات روبرو شدم اما من کارهای سخت را دوست دارم و از هیچ چالشی فرار نمی‌کنم بلکه به توانمندی خودم آگاهم و تلاشم را می‌کنم.»

این زن معدن کار که مادر نیز شده است می‌گوید که در برخی موارد که مجبور است کودکش را هم به محل کارش آورد و خوشحال است که پس از ورودش به این معدن پای سایر زنان کارشناس معدن نیز به این کار باز شده و چند صباحی است مراجعه دختران جوان برای کار در این معدن افزایش یافته است و در برخی معادن دیگر نیز زنان حضور یافته‌اند.

این در حالی است که اگر نگاهی به لیست فارغ‌التحصیلان دانشگاهی بیکار در کرمان نگاهی کنیم دانش‌آموختگان بخش معدن جزو بیشترین موارد بیکاری در استان هستند اما میرزایی در معدنی کار می‌کند که ۱۵۰ کیلومتر دورتر از شهر کرمان قرار گرفته است. میرزایی کار در شرایط سخت و در اعماق تاریک زمین را کاری دشوار و مانعی بر سر راه خود ندیده و حتی چند زن دیگر را نیز برای کار در این معدن در کنار خود راغب کرده است و حالا به‌عنوان یکی از چهره‌های موفق در استان شناخته می‌شود.

تسلیم نخواهم شد!

زندگی می‌کنم...

برای رویاهایی که منتظرند

به دست من واقعی شوند...

من فرصتی برای بودن دارم

پس ساکت نمی‌نشینم!...



سرانجام ما چه خواهد شد؟ بعد از ۲۰ سال دیگر؟ با آموزش و بهداشت پولی؟؟ چقدر درس خواهیم خواند و چند نفرمان زنده خواهد ماند؟ چندتایمان بیکار خواهیم بود؟ چند نفرمان خوشبختی را لمس خواهیم کرد؟؟



برای زیستن هنوز بهانه دارم
من هنوز می توانم به قلبم که فرسوده است
فرمان بدهم که دوستت داشته باشد